



بامن بخوان

khanak.org

iBbY

INTERNATIONAL BOARD ON
BOOKS FOR YOUNG PEOPLE



koodaki.org

گزارش «با من بخوان» خراسان جنوبی (قاینات و نهبندان)

دوره نخست

خرداد ۹۲ تا شهریور ۹۳



۱- پیشینه و مشخصه‌های برنامه

موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان از مرداد ۱۳۹۰ بر آن شد برنامه‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی با کودکان خانواده‌های کم‌درآمد، کودکان محروم و کودکان در بحران به اجرا در آورد. برنامه «با من بخوان» بر پایه رساندن کتاب‌های مناسب و با کیفیت به دست این گروه از کودکان و نوجوانان که در وضعیت معمول زندگی به کتاب‌های با کیفیت دسترسی ندارند یا این که در وضعیت‌های ویژه مانند رخدادهای فاجعه بار طبیعی و اجتماعی نیاز به کتاب‌درمانی و دسترسی به کتاب‌های مناسب دارند، طراحی شد. مشخصه مهم این برنامه در این است که در گام نخست، کتاب در دسترس این کودکان و نوجوانان گذاشته می‌شود و در گام دوم کتاب‌ها با این گروه از کودکان و نوجوانان با روش بلند خوانی خوانده می‌شود، درباره موضوع‌های گوناگون کتاب‌ها با آن‌ها گفت‌وگو می‌شود و سرانجام، فعالیت‌های هنری از پیش طراحی شده شامل نمایش و کتابسازی با کودکان انجام می‌شود. در این برنامه، آموزگاران، مربیان و مروجان کتاب‌خوانی در کارگاه‌های آموزشی چندگانه کار آزموده و برای اجرای این طرح با کودکان آماده می‌شوند. آن‌ها در کارگاه‌های آموزشی با ادبیات و راه‌های موثر و خلاق کتاب‌خوانی آشنا می‌شوند تا بتوانند رشد زبانی، عاطفی، شخصیتی، اجتماعی و شناختی کودکان و نوجوانان را بهبود بخشیده و عشق به خواندن و لذت بردن از ادبیات را به آن‌ها منتقل کنند.

از ابتدای کار برنامه «با من بخوان»، مسئولین موسسه در اندیشه پیاده کردن این طرح در روستاهای دور دست جنوب خراسان در مقطع پیش دبستان بودند. به همین سبب این طرح را برای «صندوق کودکان در بحران» وابسته به دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) ارسال داشتند و پس از بررسی‌های لازم این طرح از سوی این سازمان مورد تایید قرارگرفت و بودجه‌ای برای اجرای آن در جنوب خراسان در نظر گرفته شد.

۲- معرفی کوتاه برنامه «با من بخوان» در جنوب خراسان

در سال ۱۳۹۲ کارشناسان موسسه به سبب حضور گسترده و موثر «جامعه یآوری فرهنگی» در جنوب خراسان، اجرای چنین طرحی را برای روستاهای محروم و دور دست جنوب خراسان به مسئولین جامعه یآوری پیشنهاد کردند. پس از رایزنی‌های گسترده، در پایان خرداد ۱۳۹۲ تصمیم بر آن شد که این طرح از اول مهر ۹۲ با پشتیبانی مالی دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان و جامعه یآوری فرهنگی در دو منطقه نه‌بندان و قاینات در جنوب خراسان، برای ۳۰ مهد کودک و پیش دبستانی شامل ۸۰۰ کودک ۴ تا ۶ سال، اجرا شود. سبب انتخاب این دو منطقه محروم، آمادگی بیشتر مسئولین آموزش و پرورش و بهزیستی در اجرای این برنامه در مناطق خود و اشتیاق و علاقه مربیان و مدیران مهد کودک‌های روستایی این دو منطقه در پیاده کردن طرح در مهد کودک‌های خود بود. به همین سبب جامعه یآوری که شناخت عمیقی از منطقه و شرایط آن دارد، اجرای این برنامه را در این دو منطقه پیشنهاد کرد و در همه مراحل افزون بر پشتیبانی مالی، در اجرای هر چه بهتر این برنامه در منطقه، کارشناسان موسسه را یاری داد. فاز نخست این پروژه که از ابتدای مهر ۹۲ آغاز شده بود، در آخر شهریور ۹۳ با موفقیت به پایان رسیده است که گزارش آن در این دفتر ارائه می‌شود.

۳-ویژه گی‌های جغرافیایی، جمعیتی واجتماعی منطقه

• نه‌بندان

شهرستان نه‌بندان با ۴۱۱۰۲ کیلومتر مربع وسعت، جنوبی‌ترین شهر استان خراسان جنوبی است. شهرستان نه‌بندان به اقتضای موقعیت طبیعی آن و مجاورت با کویر، در دشتی نسبتاً وسیع واقع شده است. این شهرستان از شرق به کشور افغانستان از شمال به شهرستان سریشه، از غرب به شهرستان بیرجند و از جنوبی غربی به استان کرمان و از جنوب شرقی به استان سیستان و بلوچستان محدود می‌شود. نه‌بندان در محل تلاقی سه استان بزرگ خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان قرار گرفته و حدود ۱۲۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان دارد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۸۶ این شهرستان دارای دو بخش، دو نقطه شهری، پنج دهستان و ۳۷۵ آبادی دارای سکنه است. هوای نه‌بندان گرم و خشک بوده و زیر تأثیر آب و هوای کویری اختلاف دمای زیادی بین زمستان و تابستان آن دیده می‌شود. بیش‌ترین درجه حرارت در تابستان‌ها، ۴۲ درجه بالای صفر و کم‌ترین آن در زمستان‌ها، ۱۰ درجه زیر صفر است. در سال‌های معمولی میزان باران سالیانه نه‌بندان به ۱۵۰ میلی متر می‌رسد. فاصله این شهرستان با تهران از راه جاده ۴۱۱۰۲ کیلومتر است.

نه‌بندان به عنوان یکی از محروم‌ترین مناطق استان و کشور شناخته می‌شود. این شهرستان با داشتن گرمای شدید تابستان و بادهای ۱۲۰ روزه از شرایط نامساعد جوی برخوردار است. بادهای ۱۲۰ روزه در فصل گرم سال از تیر تا مهرماه وزیدن می‌گیرد و دارای سرعت و تداوم زیاد است که در خراسان جنوبی به گرم‌باد یا تف‌باد معروف‌اند و در سیستان، بادهای لوار یا ۱۲۰ روزه نام دارد که به‌طور میانگین هر ساله حدود ۱۲۰ روز تداوم می‌یابد. بنابراین وقتی از بادهای ۱۲۰ روزه سیستان صحبت می‌کنیم، طبیعتاً بخشی از جنوب خراسان تا سیستان و بلوچستان شمالی را دربرمی‌گیرد. نه‌بندان دارای معادن ارزشمند و بی‌نظیر مواد معدنی است که برای بهره‌برداری از آن‌ها برنامه ریزی اصولی نشده است. به همین سبب بخش بزرگی از نیروی بیکار این شهرستان به کار قاچاق مواد مخدر روی آورده‌اند. مهم‌ترین هنردستی مردم این ناحیه، قالیچه‌بافی است. برخی از مردم منطقه با تولید قالیچه‌هایی با طرح‌های بلوچی و ترکمنی. زندگی می‌گذرانند. جاده‌های این منطقه در بیشتر مناطق به استثنای راه‌های داخل روستا آسفالت است. دسترسی به روستاها در زمستان در صورت برف دشوار است. وسایل رفت و آمد عمومی به روستاها در ساعت‌های مشخصی است. فاصله بعضی روستاها تا شهر زیاد است.



قاینات

شهرستان قاینات در شمال استان خراسان جنوبی قرار گرفته است. قاین از شهرهای کهن و تاریخی استان خراسان جنوبی است که به استناد متون تاریخی سابقه آن به پیش از اسلام می رسد. این شهرستان از شمال به شهرستان های خواف و گناباد از استان خراسان رضوی، از غرب به شهرستان سرایان و از جنوب به شهرستان بیرجند محدود شده و از جانب شرق، مرزی به طول تقریبی ۱۳۰ کیلومتر با کشور افغانستان دارد.

مساحت این شهرستان بالغ بر ۱۷۷۲۲ کیلومتر مربع است. شهرستان قاینات، براساس آخرین تقسیمات کشوری مشتمل بر ۵ بخش و ۱۳ دهستان بوده و ۳۷۳ روستا و ۱۲۹۳ آبادی خالی از سکنه دارد.

مرکز این شهرستان شهر قاین بر روی دشتی به همین نام واقع شده است. شهر قاین در مسیر بزرگراه آسیایی مشهد به زاهدان تا مرز افغانستان ۱۸۰ کیلومتر فاصله داشته و از سطح دریا ۱۴۴۰ متر بلندی دارد و از دو شهر بیرجند و گناباد فاصله ای مساوی ۱۰۵ کیلومتر در ۳۷۲ کیلومتری جنوب مشهد و از تهران ۱۳۰۰ کیلومتر فاصله دارد. شهرستان قاینات، تا سال ۱۳۵۸ یکی از بخش های شهرستان بیرجند بود که در ۲۷ بهمن ۱۳۵۸ با تصویب هیأت وزیران از شهرستان بیرجند جدا شده و به صورت شهرستان مستقل در آمده است. زعفران و زرشک از محصولات اصلی این منطقه است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، برابر با ۱۳۷۳۵۷ نفر بوده است.

آب و هوای قاین به شدت تاثیرپذیر از رشته کوه هایی است که در مجاور این شهر کشیده شده است. شرایط قرارگیری شهر قاین به گونه ای است که دارای تابستانی طولانی و زمستانی سرد است. تعداد روزهای یخبندان به بیش از ۱۰۰ روز در سال می رسد که بیشتر آن در دی ماه است. در این منطقه دیرتر گرما و سرما زودتر از دیگر مناطق استان خراسان جنوبی شروع می شود.



۴- اطلاعات و آمار

برنامه «با من بخوان» در جنوب خراسان با ۳۰ مهد و پیش دبستانی دربرگیرنده ۸۰۰ کودک آغاز به کار کرد (۱۲) مهد و پیش دبستانی با ۳۵۰ کودک در منطقه قاینات و ۱۸ مهد و پیش دبستانی با ۴۵۰ کودک در منطقه نهبندان). این آمار به سبب آن که در سه ماهه دوم برخی مهدکودک ها در منطقه نهبندان از اجرای طرح چشم پوشیدند از شمار کودکان زیر پوشش طرح کاسته شد و در نهایت ۲۶ مهد و ۷۵۰ کودک در طرح باقی ماندند. از این شمار نزدیک به نیمی دختر و نیمی پسر و نزدیک به سه چهارم این کودکان در مقطع پیش دبستان (۵-۶ سال) و یک چهارم در مقطع مهد کودک (۳-۴ سال) بودند. (پیوست شماره دو، جدول ۲۹).

آمار به دست آمده نشان می دهد مادران از نظر سواد در سطح بالاتری نسبت به پدران قرار دارند، اما سطح زندگی و سواد در روستاها همچنان پایین است. چند مهد و پیش دبستانی که در شهر نهبندان و خضری و شوسف قرار دارند، از سطح شغلی و سواد بالاتری برخوردارند (پیوست شماره دو: جدول شماره ۳ تا ۶).

۵- هدف های طرح

۵-۱. هدف های کوتاه مدت

- دسترس پذیر کردن کتاب های مناسب و با کیفیت برای کودکان ۴ تا ۶ ساله تحت پوشش ۲۶ مهد کودک و پیش دبستانی در دو منطقه نهبندان و قاینات
- آموزش و توانمندسازی مربیان مهد و پیش دبستانی در جهت ترویج کتابخوانی و آموزش خلاق با برگزاری سه کارگاه آموزشی فشرده ی دو روزه در منطقه و بازدیدهای دوره ای در دو نوبت
- تشکیل نشست های بلندخوانی در ۲۶ مهد و پیش دبستانی در دو منطقه
- آشنایی کودکان با ارزش های زندگی
- کمک به رشد مهارت های ریز حرکتی کودکان پیش دبستانی
- تشکیل کتابخانه های با کیفیت در مهد ها و پیش دبستانی ها
- مستند کردن تجربه ها، ارزیابی پیوسته طرح از جنبه کمی و کیفی

۵-۲. هدف های دراز مدت

- کمک به بهبود سه مهارت از چهار مهارت پایه سواد: گوش سپردن، بیان کردن و خواندن
- تاثیرگذاری بر ذهن کودکان و تبدیل آن به ذهنی پویا و بارور و رشد خلاقیت در زندگی روزمره و آموزشی آنها
- کمک به رشد زبانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی کودکان پیش دبستانی
- کمک به بازسازی شخصیتی یا گره گشایی از گره های روانی
- ایجاد عادت مطالعه در کودکان

۶- مراحل اجرای طرح

۶-۱. رساندن کتاب‌های با کیفیت به ۷۵۰ کودک در ۲۶ مهد و پیش دبستانی در دو منطقه نه‌بندان و قاینات:

کتاب‌های با کیفیتی که از سوی گروه کتابشناسی گزینش شده بود، در دو نوبت در شهریور و دی ۹۲، هر بار ۱۲ عنوان به دو منطقه ارسال شد.



▲ آماده سازی کتاب‌های خراسان جنوبی در موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



▲ ورود کتاب‌ها به منطقه

در برنامه «با من بخوان» برای آموزش و راهنمایی مربیان، دستنامه‌هایی برای برخی از کتاب‌ها تهیه می‌شود که در آن شیوه خواندن، گفت و گو درباره کتاب و فعالیت‌های هنری شامل نمایش و کتاب‌سازی، گام به گام به مربیان آموزش داده می‌شود. افزون بر این در هر بسته برگه‌های فعالیتی است که کودکان می‌توانند با آن‌ها ماسک، صحنه نمایش، شخصیت‌های داستان، صحنه‌های گوناگون داستان را بسازند. در نوبت اول ۸ عنوان از کتاب‌ها با فعالیت و دستنامه همراه بودند. در صفحه بعد چند نمونه برگه‌های فعالیت و دستنامه‌ها آمده است.

کتاب‌های داستان برای هر ۵ کودک و برگه‌های فعالیت برای هر کودک به شکل جداگانه و بسته‌های آموزش خلاق شامل آواورزی و الفباورزی نیز برای هر ۱۰ کودک آماده شد. در مجموع ۵۴۱۰ جلد کتاب ۵۳۴۰۰ برگه‌ی رنگی و سیاه سفید فعالیت همراه با ۳۶۰ کیسه پارچه‌ای با من بخوان به دو منطقه فرستاده شد.

همچنین ۲۱ مهد در تابستان تبدیل به کتابخانه‌های روستایی شدند و ۲۸۴۰ جلد کتاب مناسب و با کیفیت برای کودکان و نوجوانان و خانواده‌های آنان خریداری و به وسیله گروه تدارکات جامعه یآوری به منطقه ارسال شد.





تصویر شماره ۶

آماده کردن صحنه نمایش:
با کمک کار یک مستطیل در میانه کارتن در بیاورید. به این ترتیب پنجره نمایش آماده می‌شود. دقت کنید فضایی که برای قسمت پایین کارتن در نظر می‌گیرید بیشتر از بالا باشد. سپس پشت کارتن را با فاصله‌ای که برای لابه‌ها در نظر گرفته اید در بیاورید.



تصویر شماره ۷

کودکان این کار را با کمک مربیان و والدین انجام دهند. بهتر است داخل کارتن با رنگ سیاه رنگ آمیزی شود (تصویر شماره ۷). برای درست کردن گدازه، خمیر باری سبز را به صورت بیضی‌های متوسط و بزرگ در آورید. روی لیه بیرونی صحنه بگذارید و با انگشت مانند تصویر زیر خمیر را به سمت پایین



تصویر شماره ۳

برگه B را روی مقوا چسباند. از قسمت نقطه چین تا کنید. به گونه‌ای که تصویرها را ببینید. با قیچی دور تصویر را برش دهید. توجه کنید قسمت نقطه چین را قیچی نکنید. حالا کوفته‌هایی خواهید داشت که می‌توانند روی پاهای خود بایستند (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۴

تصویرهای برگه C را نیز به ترتیب بالا آماده کنید. بعد از برش پرده‌های آسیاب، دایره وسط آن‌را روی دایره نقطه چین ستون قرار داده و به وسیله یک سوزن نه‌گرد، از وسط آن‌ها را به هم وصل کنید و کتاری بگذارید تا دیرتر بر روی حالت نصب کنید (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۵

تصویر برگه A را به کودکان نشان دهید. از آن‌ها بخواهید حدس بزنند چه جانوری است. آن‌ها را تشویق کنید تا بخش‌های مختلف بدن گاو را رنگ آمیزی کنند و سپس برش بزنند و با چسب‌مایع به هم چسباندند. خلال دندان را پشت تصویر با چسب نواری پهن چسباندند (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۱

در این صحنه تصویرهایی از نان، کبسه آرد و داس وجود دارد (برگه B). برای این تصویرها می‌توانید از خلال دندان استفاده کنید. گلوله گندم را روی کاغذ رنگی زرد گذاشته و به تعدادی که می‌خواهید سافه‌های گندم درست کنید. خلال دندان‌ها را پشت گندم چسباند تا بتوانید آن‌ها را در گندم‌زار قرار دهید (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۲

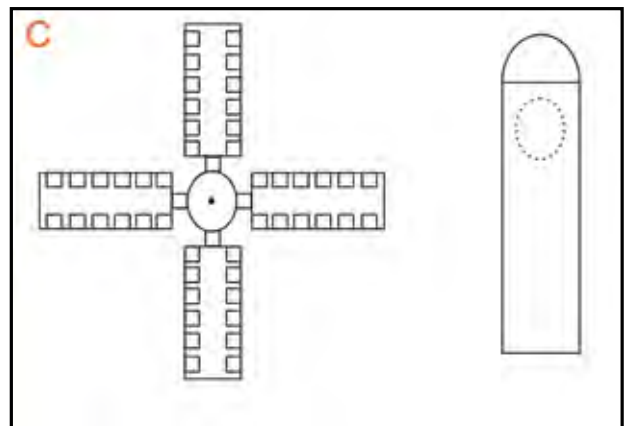
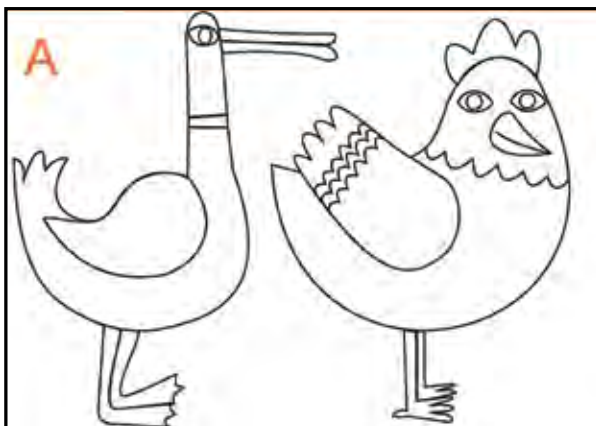
تصویرهای برگه C را نیز به ترتیب بالا آماده کنید. بعد از برش پرده‌های آسیاب، دایره وسط آن‌را روی دایره نقطه چین ستون قرار داده و به وسیله یک سوزن نه‌گرد، از وسط آن‌ها را به هم وصل کنید و کتاری بگذارید تا دیرتر بر روی حالت نصب کنید (تصویر شماره ۳).

شما می‌توانید روی رنگ قرمز تیره، سنگ‌های کوچک و چوب‌های ریزی را با چسب چوب چسباند. توجه کنید سگ‌ها و چوب‌ها به قسمت جاکستری وارد نشوند (تصویر شماره ۴).

۲- بولبیت به اندازه کمی بیش‌تر از عرض کارتن، طول حداقل ۷۰ و قطر حداقل ۵ سانتیمتر
۳- رنگ پلاستیک (رنگ‌های اصلی زرد، آبی، قرمز + رنگ سبک)
۴- قلم‌موی مخصوص رنگ پلاستیک شماره ۱ یا ۲ (قلم‌موی شماره ۳ یا ۴ توک‌گرد)
۵- مقوای معمولی سفید ۵۰۰ در ۷۰ سانتی متر.
۶- سافه‌های گندم و خشک درختان، سنگ‌های ریز
۷- کاغذ رنگی قرمز، زرد و سبز
۸- چسب چوب، چسب‌مایع، چسب پهن نواری و قیچی
۹- چوب‌های خمیر یا سیخ کباب چوبی ۵ عدد و خلال دندان یک بسته
۱۰- خمیر باری رنگ سبز حداقل ۶ بسته، رنگ قهوه‌ای ۲ بسته)

آماده کردن شخصیت‌های نمایش:
در این صحنه تصویرهایی از شخصیت‌های داستان، مرغ سرخ، سگ، گربه، ارگ، چوپان و جانوران دیگر مزرعه همچون گاو و گوسفند نیز برای تکمیل کردن صحنه نمایش وجود دارد (برگه A). تصویرها را روی مقوای هم اندازه آن‌ها چسباند تا محکم‌تر شوند.
جانوران را با آبرنگ، ماژیک، گواش و یا حتی رنگ پلاستیک رنگ کنید. برای هر کدام از چوب خمیر یا سیخ کباب چوبی و یا چوب بستنی یک دسته بسازید. دسته‌ی چوبی را در پشت تصویر رنگ شده با چسب نواری پهن محکم چسباند (تصویر شماره ۱).

▲ دستنامه کتاب "مرغ سرخ پاکوتاه"



▲ فعالیت کتاب "مرغ سرخ پاکوتاه"

۶-۲. برگزاری کارگاه‌های آموزشی

در مجموع کارگاه دو روزه و دو کارگاه یک روزه برای مربیان و مدیران مهدها و پیش دبستانی‌های در دو منطقه قاین و نهبندان برگزار شد.

● کارگاه‌های دوره نخست در تاریخ ۱۹-۲۰ و ۲۶-۲۷ شهریور ۱۳۹۲ به ترتیب در خانه معلم قاین و بهزیستی نهبندان تشکیل شدند. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱ : کارگاه نخست

نام آموزشگران	۲۰ و ۲۶ شهریور قاین و در ۲۷ شهریور نهبندان
برنامه روز اول	
معرفی برنامه با من بخوان	مریم اخگری (سرپرست طرح در جنوب خراسان)
تعریف ادبیات و کتاب‌های با کیفیت	فرشته دباج (نهبندان)/مهتاب مقدم (قاین)
چگونه یک نشست کتابخوانی با کیفیت را برگزار کنیم، بلندخوانی و مراحل آن	مریم اخگری و فرشته دباج
آموزش فعالیت‌های قبل و بعد از کتابخوانی	مریم اخگری
آشنایی با پرسشنامه ها و گزارش نویسی	مریم اخگری
برنامه روز دوم	
کارگاه آموزش خلاق آواورزی و الفباورزی	مریم اخگری
کارگاه هنر: صحنه سازی برای به نمایش در آوردن یک کتاب	سهیلا فلاح پور



▲ کارگاه نخست نهبندان: چگونه یک نشست کتابخوانی با کیفیت را برگزار کنیم



▲ صحنه سازی برای به نمایش درآوردن یک داستان. کارگاه هنر قاین



▲ اجرای نمایش کتاب «می خواهیم یک خرس شکار کنیم» از سوی مربیان شرکت کننده در کارگاه هنر قاین



▲ کارگاه تعریف ادبیات و کتاب های با کیفیت. کارگاه نخست قاین.



▲ کارگاه آموزش خلاق، قاین.

- کارگاه‌های دوره دوم در تاریخ ۳-۴ و ۱۱-۱۰ بهمن ۱۳۹۲ به ترتیب در خانه معلم قاین و در خانه یکی از مربیان نهبندان تشکیل شدند. (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: کارگاه دوم

نام آموزشگران	۳-۴ بهمن (قاین) و ۱۱-۱۰ بهمن (نهبندان)
برنامه روز اول	
گروه آموزشگران و مربیان	گزارش سه ماهه همراه با بحث و گفت وگو و رفع اشکال
مهری صفایی	کارگاه ارزش های زندگی
مهری صفایی و مریم اخگری	کارگاه عناصر داستان همراه با بلند خوانی
برنامه روز دوم	
سهیلا فلاح پور	کارگاه هنر: چگونگی کار با عروسک دو نخی و ساخت سه نوع ماسک، عروسک انگشتی و باتومی
مهری صفایی و مریم اخگری	کار با واژه نامه چیستانی



▲ کارگاه ساخت ماسک و عروسک بانومی، کارگاه دوم نهپندان



▲ ساخت ماسک و عروسک بانومی، کارگاه دوم قاین



▲ ساخت عروسک های نخي، کارگاه دوم قاین

● کارگاه‌های دوره سوم در تاریخ اول خرداد در نهبندان در خانه یکی از مربیان و دوم خرداد ۱۳۹۳ در خانه معلم قاین برگزار شدند. در این کارگاه‌ها ابتدا آموزش کتابداری به روش ساده همراه با کار عملی داده شده تا مربیان در برپایی کتابخانه‌های تابستانی به روش روستایی توانمند شوند. سپس مربیان گزارشی از کار ۹ ماهه خود ارائه کردند و در پایان به هر یک از مربیان یک گواهی نامه اهدا شد (جدول شماره ۳).

مربیان افزون بر آموزش در کارگاه‌ها، در بازدیدهای کارشناسان از مهدکودک‌ها فرصتی یافتند تا پرسش‌های خود را مطرح کرده و از نزدیک کار کارشناسان با کودکان را مشاهده کنند. مربیان همچنین می‌توانند در هر زمان که لازم بود با سرپرست طرح یا دیگر اعضای کمیته با من بخوان در موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان تماس تلفنی یا ایمیلی برقرار کرده و مشکلات خود را مطرح کنند.

گزارش‌های دریافت شده از مربیان نشان می‌دهد که مربیان در اداره کلاس‌های بلند خوانی با کودکان، انجام فعالیت‌های در پیوند با کتابخوانی، گفت‌وگو با کودکان و به کارگیری روش‌های خلاق به تدریج توانا تر شده‌اند، تا به آنجا که اکنون مربیان آموزش دیده به مربیانی توانمند و خلاق بدل شده‌اند و این یکی از هدف‌های مهم این طرح است که تحقق یافته است.

جدول شماره ۳: کارگاه سوم

نام آموزشگران	اول خرداد ۹۲ در نهبندان و قائنات
برنامه روز اول	
فرزانه طاهری	آموزش کتابداری: آنچه یک کتابدار کودک باید بداند
مریم اخگری	گزارش و جمع بندی ۹ ماهه طرح با من بخوان در ۹ ماه اجرای طرح و دادن گواهی نامه به مربیان



▲ کارگاه کتابداری: آنچه یک کتابدار کودک باید بداند، قاین



▲ کارگاه کتابداری: آنچه یک کتابدار کودک باید بداند، نهبندان



▲ به مربیان در پایان کارگاه سوم گواهی نامه اهدا شد

۳-۶. برگزاری نشست‌های بلندخوانی برای کودکان و انجام فعالیت‌های هنری در پیوند با کتاب

مربیان پس از کارگاه‌های آموزشی برنامه «با من بخوان» را آغاز کردند. برای هر ۵ کودک یک کیسه شامل ۱۲ عنوان کتاب و برگه‌های فعالیت (برای هر کودک) برای یک دوره سه ماهه در نظر گرفته شده بود. برپایه برنامه داده شده مربیان موظف بودند هر هفته یک کتاب را با کودکان بخوانند و فعالیت‌های پس از خواندن همچون اجرای نمایش و دیگر فعالیت‌های پیشنهادی را انجام دهند. خواندن و انجام فعالیت‌های آواورزی و الفباورزی نیز بخشی از برنامه هفتگی بود.



▲ مربی در حال انجام فعالیت کتاب «چه و چه وجه» با کودکان در یکی از روستاهای قاین.



▲ کودکان در حال فعالیت کتاب «دویدم و دویدم»، در یکی از روستاهای قاین.



▲ مربی در حال بلندخوانی کتاب «خرس بزرگ و کوچک»، برای کودکان در روستای خشکان، قاین.



▲ مربی در حال بلندخوانی کتاب «سفر به سرزمین وحشی‌ها»، روستای پهنایی، قاین



▲ مربی در حال بلندخوانی کتاب «یک دقیقه صبر کن»، در یکی از مهدکودک‌های شهرستان قاین.



▲ کودکان صحنه های کتاب «سفر به سرزمین وحشی ها» را بازسازی کرده اند، روستای نوغاب حاجی آباد، قاین



▲ کودکان در حال بازسازی توالی رخدادهای داستان در روستای خشکان، قاین



▲ مربی در حال بلند خوانی کتاب «خرس بزرگ و خرس کوچک» روستای شهرک قدس، قاین



▲ مربی با ماسک، داستان «المر» را بازگویی می کند، روستای شهرک قدس، قاین

۴-۶. مستند سازی

یکی از محورهای اصلی این طرح ثبت چگونگی واکنش کودکان به برنامه‌ها و کم و کیف نشست‌های کتابخوانی از سوی مربیان است. هر مربی موظف بود برای هر کتاب پرسشنامه‌ای که از پیش طراحی شده است را پر کند. این پرسشنامه‌ها شاخص‌های کمی، در برگیرنده: شمار کتاب‌های خوانده شده، شمار جلسه‌های کتابخوانی با کودکان، شمار جلسه‌های فعالیت با کودکان، شمار کلاس‌های هر مربی و شمار واژه‌هایی که کودکان در هر جلسه کتاب خوانی نمی‌دانستند را روشن می‌کنند.

تأثیر عمیق، گسترده و درازمدت این شیوه کتابخوانی، یا به زبانی دیگر شاخص‌های کیفی، از راه پرسشنامه‌ها و گزارش‌ها قابل ثبت و نشان دادن نیست. به همین سبب برای بازتاب بخشی از این تأثیرات، از مربیان خواسته شد دفتر مشاهداتی تهیه کرده و در طول سال واکنش‌های کودکان که برخاسته از تأثیر عمیق کار در لایه‌های درونی ذهن کودکان است و شاخص‌های کیفی با ارزش به شمار می‌آیند را ثبت کنند.

مربیان موظف شدند که افزون بر پر کردن پرسشنامه‌ها، مشاهدات خود را در کلاس یادداشت و به سرپرست طرح ارایه کنند. همچنین مربیان موظف بودند که از نشست‌ها و فعالیت‌های کودکان و کارهای دستی آن‌ها فیلم و عکس و صدا تهیه کنند.

در ابتدای هر کارگاه مربیان گزارش‌های سه ماهه خود را ارایه کردند و بحث گروهی درباره آن انجام شد. همچنین هر مربی موظف بود در دفترچه‌ای به نام دفترچه مشاهدات واکنش‌های کودکان را ثبت کند و هر سه ماه گزارشی از فعالیت‌های خود را به شکل کتبی ارایه دهد. (پیوست شماره دو)

۵-۶. بازدید از مهدها و پیش دبستانی‌ها

در این دوره با هدف بهبود کار مربیان و پاسخ به پرسش‌های آن‌ها در فاصله کارگاه‌ها، دو بازدید در تاریخ‌های ۱۲ تا ۱۶ آبان و ۲ تا ۹ بهمن ۱۳۹۲ از مهد‌های خراسان جنوبی (قاین و نهبندان) انجام شد.

۵-۶-۱. بازدید نخست یکشنبه ۱۲ آبان از مهد‌های روستایی قاین آغاز شد. فاصله زیاد روستاها از مرکز شهر قاین سبب شد تا، بازدید کنندگان برای بازدید دقیق از همه روستاها با دشواری کمبود وقت رو به رو شوند. در روز نخست از مهد کودک‌های شهر خضری و روستاهای فضل‌آباد، گزنشک، خشکان، نوغاب پسکوه، بیهود بازدید شد. در مهد کودک کوشا در روستای خضری که آموزش آوا ورزی را آغاز کرده بودند، پیشرفت کودکان در زمینه شناخت آواها و شخصیت‌های کتاب شگفتی بازدید کنندگان را برانگیخت.



▲ مربی در بلندخوانی و انجام فعالیت‌های کتاب «آواورزی با سی‌بی‌لک»، روستای خضری، قاین

در مهد کودک روستای فضل آباد که روستایی کوچک و محروم است و کلاس کودکان در یک مدرسه کوچک روستایی تشکیل می‌شود، مدرسه به سبب نبود نفت به قدری سرد بود که بچه‌ها با کاپشن و کلاه نشسته بودند. مربی کتاب "خرس کوچک" را می‌خواند و بچه‌ها خیلی دوست داشتند و با او همراهی می‌کردند. این مربی با وجود وضعیت نامناسب کلاس، دشوار برنامه کتابخوانی را خوب پیش برده بود.



▲ مربی در حال بلند خوانی کتاب «خرس کوچک»، روستای فضل آباد، قاین

سپس کارشناسان طرح راهی روستاهای گزنشک، خشکان، نوغاب پسکوه و بیهود شدند. در روستای نوغاب مربی فضای خوبی را برای کتابخوانی کودکان ایجاد کرده بود و به مناسبت روز کودک پوسترهای بزرگداشت این روز را روی درها چسبانده بود.

در بعد از ظهر همان روز همه مربیان مهدهای منطقه قاینات که در طرح بودند، در یک نشست با کارشناسان موسسه شرکت کردند و مشکلات خود را در میان گذاشتند و کارشناسان نیز درباره نکاتی که در بازدیدها دیده بودند همچون شیوه‌های بلند خوانی و یا انجام فعالیت‌ها، با مربیان گفت و گو کردند.

دوشنبه ۱۳ آبان ۹۲ از صبح زود بازدیدها ادامه یافت. در این روز از روستاهای نوغاب حاجی آباد، روستای شهرک قدس، پهنایی، جعفر آباد و مهدی در شهر قاین بازدید شد. در روستای نوغاب حاجی آباد مربی کتاب‌های داستان را مطابق برنامه برای کودکان خوانده بود و کتاب آواورزی را با شیوه‌ای درست و موثر با کودکان کار کرده بود.



► کودکان در حال انجام فعالیت‌های کتابخوانی کتاب «آواورزی»، روستای نوغاب حاجی آباد، قاین.



▲ کودکان در حال انجام فعالیت‌های کتاب «سفر به سرزمین وحشی‌ها»، روستای شهرک قدس، قاین

در روستای شهرک قدس با وجود نبود امکانات، آموزگار با ساده‌ترین وسایل صحنه‌های کتاب را برای بچه‌ها به نمایش در آورده بود.

در روستای پهنایی مربی خلاق برای جلب کودکان به کتابخوانی شگرد تازه‌ای به کار گرفته بود. او در ابتدای نشست شمع روشن می‌کرد و در پایان کتاب بچه‌ها شمع را خاموش می‌کردند این شگرد شوق خواندن را در بچه‌ها بسیار افزوده بود.



▲ مربی در حال بلندخوانی کتاب «سفر به سرزمین وحشی‌ها»، روستای پهن آباد، قاین

در روستای جعفر آباد مربی یکایک مراحل کتابخوانی و فعالیت‌ها را با بچه‌ها به خوبی انجام داده بود. صبح زود ۱۴ آبان ۹۲ کارشناسان با یک سواری راهی نهبندان شدند تا از مهدهای نهبندان بازدید کنند. آن‌ها در آن روز توانستند از روستاهای مهدی آباد، چاهداشی، میغان، دهسلم دیدن کنند. به طور کلی روستاهای این منطقه در سنجش با منطق قاینات از نظر اقتصادی ضعیف تر هستند. در روستاهای مهدی آباد، چاهداشی، میغان و دهسلم که در دل کویر قرار دارد، فقر اقتصادی قابل توجه است.

خوشبختانه با وجود فقر حاکم بر این روستاها بیشتر مربیان توانسته اند با اندک امکاناتی که در اختیارشان بوده است برنامه کتابخوانی را برای کودکان به خوبی پیش ببرند. روز ۱۵ آبان ۹۲ روستاهای حیدر آباد، خونیک سفلی، دو مهد در خوانشرف و سه مهد در شهر نهبندان مورد بازدید قرار گرفت. ۱۶ آبان ۹۲ یک نشست برای مربیان گذاشته شد و گزارش‌ها و مستندات گردآوری و به پرسش‌های مربیان نیز پاسخ داده شد.



▲ نشست کتابخوانی کتاب به دقیقه صبرکن، نهبندان



▲ فعالیت کتاب آواورزی، روستای حیدر آباد، نهبندان

۵-۶-۲. بازدید دوم کارشناسان پس از برگزاری کارگاه دوم در ۲ بهمن ۹۲ انجام شد. صبح پس از رسیدن به بیرجند از دو روستا مهد بازدید شد. روستای موسویه و روستای محمدآباد پسکوه. در تاریخ ۹ بهمن نیز از یک مهد در شوسف بازدید به عمل آمد.

در این بازدیدها، ابتدا کار مربیان با کودکان از نزدیک دیده شد، سپس درباره جنبه‌های مثبت و در مواردی ضعف‌ها و نکات منفی کارشان گفت و گو و آموزش‌های لازم به آن‌ها داده شد. کارشناسان موسسه برای نشان دادن این که چگونه می‌توانند یک نشست کتابخوانی جذاب برای کودکان برگزار کنند، کتاب‌هایی را با بچه‌ها در حضور مربیان، بلند خوانی کردند. سپس گزارش‌های مربیان گردآوری شد. یکی از نکات مثبت این بازدیدها این بود که محل زندگی کودکان و فضای آموزشی مهد کودک‌ها از نزدیک از سوی کارشناسان طرح دیده شد و به آن‌ها یاری رساند تا ارزیابی درست‌تری از کارهای انجام شده داشته باشند.



▲ آموزشگر موسسه در حضور مربیان با کودکان فعالیت کتاب «آواورزی» را انجام می‌دهد، روستای دهسلم، نهبندان



▲ آموزشگر موسسه در حضور مربیان برای کودکان بلندخوانی می‌کند، روستای میغان، نهبندان

۶-۶. تشکیل کتابخانه‌های با کیفیت

یکی از هدف‌های طرح تشکیل کتابخانه‌های با کیفیت در هر مهد کودک یا پیش‌دبستانی است که به تدریج شکل می‌گیرند. در هر دوره سه ماهه ۱۲ عنوان کتاب با کیفیت برای هر گروه ۵ نفره از کودکان فرستاده می‌شود، همراه با راهنماهای آموزشی برای مربیان و برگه‌های فعالیت برای کودکان. به این ترتیب در آخر دوره در هر مهد برای هر ۵ کودک ۲۴ عنوان کتاب به علاوه واژه نامه چیستانی، آواورزی و الفبا ورزی وجود دارد که مجموعه یک کتابخانه کلاسی را به خوبی شکل می‌دهد. به عنوان مثال در یک مهد با ۳۰ کودک ۱۷۵ جلد کتاب در کتابخانه قرار می‌گیرد که برای سال‌های آینده این مرکز نیز استفاده خواهد شد.

مربیان در ابتدا هرگز فکر نمی‌کردند که به کودکان زیر ۷ سال نیز می‌توان کتاب به امانت داد. اما در عمل متوجه شدند که کودکان و خانواده‌ها با علاقه کتاب‌ها را به خانه می‌برند و تمیز و مرتب برمی‌گردانند، و این باعث شد فرهنگ امانت گرفتن کتاب در کودکان نهادینه شود و دیگر اعضای خانواده نیز با این کتاب‌ها آشنا شوند و از آن‌ها بهره‌گیرند.

برنامه دیگری که سال گذشته در این پروژه انجام گرفت و برای آن پیش‌بینی اولیه نشده بود، تشکیل کتابخانه‌های کوچک برای همه گروه‌های سنی و خانواده‌ها در محل مهد کودک‌های هر روستا در ایام تابستان بود. ۲۱ مربی پذیرفتند که در سه ماه تابستان یک روز در هفته به مهد بیایند و از مردم روستا، کودکان و نوجوانان دعوت کنند که به این کتابخانه کوچک آمده و کتاب امانت گیرند. برای هر مهد ۱۳۶ جلد کتاب برای مقاطع دبستان تا آخر دبیرستان و کتاب‌هایی برای خانواده‌ها با موضوع‌هایی در پیوند با نکات بهداشتی و آموزشی کودکان، فرستاده شد. گزارش کار سه ماهه کتابخانه‌ها، پیوست شماره چهار).

۶-۷. ارزیابی برنامه

بر مبنای پاسخ‌ها و گزارش‌های مربیان، دفتر مشاهدات مربیان و گزارش سرپرست طرح در خراسان، کیفیت نشست‌های بلندخوانی و تاثیر آن در: رشد زبانی، شناختی، شخصیتی، اجتماعی و مهارت‌های ریز حرکتی ارزیابی شده است:

۶-۷-۱. دستاوردهای کمی و کیفی

- ۷۵۰ کودک در مقطع مهد و پیش‌دبستان تحت پوشش این طرح قرار گرفتند و از نشست‌های کتابخوانی و فعالیت‌ها بهره‌مند شدند.
- ۲۶ مربی مهد و پیش‌دبستانی در سه کارگاه آموزشی دو روزه آموزش دیدند.
- ۸۲۵۰ جلد از بهترین کتاب‌های باکیفیت در دسترس کودکان قرار گرفت.
- ۲۱ کتابخانه روستایی در تابستان برپا شد که در حال حاضر دایر و فعال هستند.
- رشد همه جانبه دربرگیرنده: رشد زبانی، اجتماعی، شخصیتی و شناختی و افزایش توانایی در انجام مهارت‌های حرکتی در بیش‌تر کودکان مشاهده شده است (پیوست شماره دو و سه).
- مربیان از انگیزه بیشتری برای کتابخوانی و کار با کودکان برخوردار شده‌اند.
- مربیان نسبت به گذشته از دانش بیشتری در زمینه ادبیات کودکان و شیوه‌های کتابخوانی برخوردار شده‌اند. آن‌ها اکنون مربیانی کارآزموده و خلاق به شمار می‌آیند.
- اعتماد به نفس مربیان افزایش یافته است.

- دیدگاه مربیان نسبت به مخاطب پیش دبستانی و روش‌ها و محتوای آموزشی این گروه از کودکان دگرگون شده است.
- مربیان در نوشتن گزارش و مستندسازی تواناتر شده‌اند.
- بیشتر خانواده‌ها از اجرای این طرح بسیار خشنودند.
- علاقه کودکان به خواندن کتاب و نشست‌های کتابخوانی افزایش چشمگیری داشته است.
- شمار کودکانی که کتاب به امانت می‌گیرند، بالا رفته است.
- مهدهایی که برنامه «با من بخوان» در آن اجرا شده، به کتابخانه‌های کوچک برای استفاده همه کودکان روستا تبدیل شده‌اند.
- داوطلبانی در سطح منطقه برای کمک به پیشبرد طرح جذب شده‌اند.
- برخی مهدکودک‌های خصوصی در قاینات و نهبندان با بودجه خود به این طرح پیوسته‌اند.
- همکاری و پشتیبانی نهادهایی همچون آموزش و پرورش و بهزیستی به ویژه در قاینات افزایش یافته است.
- همکاری میان دو نهاد موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و جامعه یابوری فرهنگی در جنوب خراسان تقویت شده است. این همکاری چشم‌گیر ضامن موفقیت این طرح در منطقه بوده است.

۶-۷-۲. چالش‌ها

- ناهماهنگی با آموزش و پرورش و بهزیستی نهبندان در ابتدای کار
- نداشتن وسایل عکاسی یا فیلم‌برداری جهت ثبت با کیفیت نشست‌های کتابخوانی و فعالیت‌های نمایشی
- نبود نیروی داوطلب کافی برای آماده‌سازی بسته‌های کتاب و فعالیت‌ها در تهران
- بی‌نظمی در ارسال گزارش‌ها از سوی مربیان در ابتدای طرح

۶-۸. جمع‌بندی

برنامه «با من بخوان» در دو منطقه جنوب خراسان در یک سالی که اجرا شد به خاطر مدیریت و همکاری عالی و تجربه و شناخت جامعه یابوری در این منطقه در کنار آموزش نوین و کار پژوهشی و علمی موسسه با موفقیت و نتیجه بسیار خوبی به اجرا درآمد و مربیان در این مدت بسیار خلاق و پرانگیزه و کارآزموده شدند.

بیشتر کودکان از رشد بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصدی در زمینه‌های گوناگون زبانی، اجتماعی، شخصیتی، شناختی و مهارت‌های ریز حرکتی، برخوردار شده‌اند. (نمونه دیدگاه‌های مربیان نهبندان پیوست شماره سه و مربیان قاین پیوست شماره چهار)

پیوست شماره یک

فهرست مکان‌های زیر پوشش

«با من بخوان»

در خراسان جنوبی

فهرست مراکز تحت پوشش منطقه نهبدان

نام شهر یا روستا	نام مهدکودک و پیش دبستانی	تعداد کودکان
۱ روستای حیدرآباد	رنگین کمان	۲۵
۲ نهبدان	دنیای فرشتگان	۴۵
۳ روستای مهدی آباد	مهدی آباد	۳۰
۴ روستای بندان	گل یاس	۳۴
۵ شوسف / روستای ذهاب	اسما روستای ذهاب	۱۵
۶ روستای خوانشرف	نگین	۴۰
۷ روستای خوانشرف	شکوفه	۲۵
۸ روستای میغان	مائده	۳۰
۹ نهبدان	طوطیا	۲۵
۱۰ شهر شوسف	فرشته ها	۴۵
۱۱ خونیک سفلی	نازنین	۲۰
۱۲ روستای چاهداشی	گلپای آفتاب	۳۷
۱۳ روستای ذهاب	روستای ذهاب	۱۵

فهرست مراکز تحت پوشش منطقه قائنات

نام شهر یا روستا	نام مهدکودک و پیش دبستانی	تعداد کودکان
۱ روستای شهرک قدس	قائم آل محمد	۱۰
۲ روستای پهنایی	یاس های کوچک	۴۰
۳ روستای محمد آباد پسکوه	کوشا	۲۵
۴ روستای بیهود	امید بیهود (ستاره)	۳۰
۵ روستای گز شک	هانی	۳۵
۶ روستای فضل آباد	نفیسه	۱۰
۷ روستای خشکان	فاطمیه	۲۵
۸ روستای نوغاب حاجی آباد	ابن سینا	۲۵
۹ روستای نوغاب پسکوه	ساجده	۲۰
۱۰ خضری	مهد کوشا	۴۳
۱۱ چاهک موسویه	مهد آرزو	۲۵
۱۲ جعفر آباد	فرشته های کوچولو	۳۰

پیوست شماره دو

اطلاعات کودکان

● جدول شماره ۱

آمار درصدی جنسیت کودکان تحت پوشش برنامه با من بخوان

دختر	۵۰/۷٪
پسر	۴۹/۳٪

● جدول شماره ۲

پایه تحصیلی کودکان تحت پوشش برنامه با من بخوان

مهدکودک: ۳ تا ۴ سال پیش دبستان: ۴ تا ۶ سال

مهد کودک	۱۵/۷٪
پیش دبستان	۸۴/۳٪

● جدول شماره ۳

درصد	شغل پدران
٪۲۶/۱	آزاد
٪۱۶/۶	کارگر
٪۱۲/۹	راننده
٪۱۰/۹	کشاورز / کارمند (هر کدام جداگانه)
٪۳/۷	آموزگار
٪۲/۹	نظامی
٪۱/۸	مغازه دار
٪۱/۶	دامدار
٪۱/۴	بتّا
٪۱	بسیجی / بیکار (هر کدام جداگانه)
٪۰/۸	جوشکار
٪۰/۶	نانوا / آشپز / مکانیک / مدیریتی (هر کدام جداگانه)
٪۰/۴	به ورز / نجار / آتش نشان / نگهبان / خدمتکار / برقکار / دامپزشک (هر کدام جداگانه)
٪۰/۲	خیاط / کفاش / صافکار / سنگ کار / پیمانکار برق / نقاش ساختمان / کارواش / سلمانی / شهردار / بخشدار / رادیاتور ساز / ساندویچی / دهیار / سردفتر دار (هر کدام جداگانه)

• جدول شماره ۴

درصد	شغل مادران
٪۸۷/۹	خانه دار
٪۵/۴	آموزشگر
٪۲/۲	کارمند
٪۱/۲	آرایشگر
٪۱	مربی
٪۰/۸	مغازه دار
٪۰/۶	خیاط
٪۰/۴	مدیر
٪۰/۲	به‌ورز / نویسنده / استاد (هر کدام جداگانه)

• جدول شماره ۵

تحصیلات مادران

بی سواد	%۵/۵	دیپلم	%۲۹/۵
نهضت	%۱/۶	دانشجو	%۰/۴
ابتدایی	%۲۹/۵	فوق دیپلم	%۴/۷
راهنمایی	%۰/۶	لیسانس	%۸/۸
سیکل	%۱۸/۶	فوق لیسانس	%۰/۲
دبیرستان	%۰/۴		

• جدول شماره ۶

تحصیلات پدران

بی سواد	%۵/۴	دیپلم	%۲۷/۴
نهضت	%۰/۶	دانشجو	-
ابتدایی	%۲۶/۱	فوق دیپلم	%۵/۶
راهنمایی	%۰/۶	لیسانس	%۶/۲
سیکل	%۲۶/۱	فوق لیسانس	%۰/۱
دبیرستان	%۰/۱		

پیوست شماره سه

پرسش نامه ها

پرسش نامه گزارش برای هر کتاب



پامن بخوان

گزارش برای هر کتاب

تاریخ برگزاری و محل نشست های کتابخوانی کلاس فارسی - ۵ / ۱۱ / ۹۳	
عنوان کتاب من هم ببرم	
ساعت برگزاری نشست ها: از ۱۴:۵۰ تا ۱۵:۰۵...	
تعداد نشست های برگزار شده برای این کتاب: ۳ نشست	نام کتابخوان: هریس حبیبی زاده
گروه سنی کودکان شرکت کننده: ۶، ۷، ۸ و ۹ سال	
تعداد دختران: ۲۵	تعداد پسران: ۷

بلندخوانی

علاقه کودکان به این کتاب چه میزان بود؟

☒ بسیار دوست داشتند ☐ توجه زیادی نداشتند ☐ بی علاقه بودند

کودکان در هنگام خواندن کتاب چه واکنش هایی داشتند

☒ پرسش های زیادی را مطرح کردند

☒ خاطرات خود را بازگو کردند

☐ حرف نزدند

☐ موارد دیگر

چه واژه هایی برای کودکان دشوار بود؟ لطفا این قسمت را پر کنید. صدای ببر را چه هاشمی شنیدند و کی و کجا؟

حدید برای من محبوب است - من - روز ۵ - دریا نورد -

در کلاس پیش هبانی ابوالفضل قدسکی داعیه محمد کرم زحیدانی ندانستند و فکر کردم بخاطر زبانی
بیشترش هجرت ندارند در کلاس دختران اول دوم و سوم خاطره ترویج کاغذی ندانست من می گویم که نزد دو نفر

موردگان لحن صدرا توخید می دادم از چه هائی خواستم بامن صدای ببر - عاقلی را در دیار بند از آنجا می خواستم
که گریه بشوند و یا مثل گریه روزی نقشند ترچه شان را به نقاشی حلیلی می رسم و می خواستم تو خیرین چندین که به نظر
فعالیت ها در نقاشی و رسم است به من بگویند در صفحه سوم از چه هائی خواستم حیوانات را بزرگ را هم پیدا کنند و
بچه ها میسوزان درینند و باید آفرینند
گفت و گو:

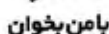
پایه را زجه ها خواستم تفاداد خانه سروخانه هسایه را بگویند چه هاضی کم به پیچید تو به کردند بیشتر علی و در وقت آن توفه
داشتند باز قسم درو پیچید خانه سیر با خانه هسایه چه فرق دارد و یکی گفت در خانه سیر بزرگ تر است و دیگری گفت در خانه سیر که هنی است و در
خانه هسایه کوچک و بارش های بسیار و خوار زبان خودشان کشید که خانه هسایه لطیف است و خروشی است
منیا پرسید چرا هر خود خورشی را به یک شعلی در می آید و چه است و رفت با هاضی بازی نکردم از سخت می رسیدند و لغزند
بچه ها بدین تر خاطر هاضی تعریف کردند ابوالفضل رفعا از آن وقت تعویضی من دهر و باه را به صورتش سبزه را اول را توکی
جاده کشید و در صورت کمرها را کشید کی میکان سیران که از زمین می کشند محبت کرم
کودکان در جلسه گفت و گو تا چه میزان مشارکت کردند؟

کم ☐ متوسط ☐ زیاد ☒ بسیار زیاد ☐

فعالیت‌های هنری

فعالیت هایی که پس از کتابخوانی انجام دادید را توضیح دهید (کاردستی، بازی، نقاشی، نمایش خلاق، ...)

نقاشی از چیه ها خوشه شده از هر جای داستان لذت بردن آن را نقلی کنند
کولار: از چیه ها خوشه شده تا از هر صفت داستان درست کنند و در کولار درست کنند
آب و خانه درست کردند و درست شدند بیدار شد اما برایشان کار مکی بود اما با لکس مری
بیخی از حیوانات را درست کردند. حوض آب را درست کردند
با خنجر بازی شخصی های داستان را درست کردند



ارزیابی مروجان از کودکان پس از سه ماه کتاب خوانی (بیش دبستان)

این ارزیابی ها هر سه ماه یکبار و پس از کار با آخرین کتاب دوره انجام می شود.

مروج گرایی دیدگاه و برداشت‌های شما از میزان رشد کودکان و همچنین رویدادهایی که در کلاس پیش می‌آید برای ما بسیار مهم و با ارزش است. لطفاً به موارد مشخص شده در این فرم، با آزادی پاسخ دهید. خوشحال می‌شویم که هر موردی که از دیدگاه شما مهم یا قابل تأمل است را با ما در میان بگذارید.

ارزیابی دانش واژگان

لطفاً چند واژه دشوار که در کتاب های این دوره سه ماهه وجود داشتند و کودکان معنی آن را نمی دانستند را انتخاب کنید، از کودکان بپرسید که معنی آن ها چیست. سپس به هر کودک یک واژه بدهید تا جمله ای بسازد. جمله ها را بنویسید و در صورت امکان این نشست را ضبط کنید و به مسئول منطقه بدهید.

• چند کودک معنی واژه‌های دشوار قبلی را نمی‌دانستند؟ چند کودک واژه‌ها را به شکل درست به کار برده‌اند؟

این ۳ کلمه را از نو کان بر سریدیم چه های خدای اول به بالا فقط خا اوله یعنی آگه ای راست
و نعم یعنی آن ای دانستند آیه گاهی بر آنده خوب نمی توانستند بیان کنند اما زبان محبت هایشان
من شد محبت که یعنی آن ای دانند از چه های پیش ایشان ۴ فقره یعنی را می دانستند و ۵ فقره دیگر نمی
چیه های اول به بالا در جمله ساری مشکلی نداشتند اما چه های پیش ایشان یکی از فقره می توانستند جمله باز نه

ارزیابی پیشرفت شنیدن و تمرکز کودکان

• آیا به نظر شما تمرکز کودکان به آن چه در کلاس اتفاق می افتد در سه ماه گذشته تغییر کرده است؟ لطفا توضیح دهید و چند نمونه بنویسید.

به نظر من که نزدیکان بسیار زیاد و از اول سال بختند عینی از زمان که غایبم در سبب به ۳۶۵

مردم هم تقدیر محسوس را ندانند. مثلاً، در ناظرین بیک اشیا در بخش نهم

دقت بیشتر به قاری برسد که در باب چه حالتیم برای هر ششقاب یک ماسق بود این کاران بود اما وقتی
تفصیل این کار را روی کاغذ انجام بده معنی سینه های قاری ماسق و سینه های قاری ششقاب هم اندازد به هم وصل کن
کار در قاری به نظری که مد و می در سفند ماه این کار بسیار آسان بود یاد نقاشی کشیدن در آبان و آذر و قمر
از چه های خواست موضوع را نقاشی کند بجه ها ~~نقاشی~~ نقاشی می کردند اما در بعضی موارد آنچه انسان خواست بود و در بعضی
به موضوع نداشت و یا آنچه بلد بودند نقاشی می کردند و اغلب توضیح کمی نسبت نقاشی ها این بود اعداد را سفند از بیست
داستان های نسبت نقاشی ها این بود که ~~لها~~ از حوصله من هم خارج می شد در این نقاشی در ظاهر چه بود به موضوع
نمود اما داستان دقیقاً به موضوع ربط پیدا می کرد

- از این جلسه عکس برداشته شده است ؟ ☒ بله ☐ خیر
- فعالیت های کتاب به پیوست کتاب بوده است ؟ ☐ بله ☒ خیر
- نمونه های فعالیت را به این گزارش پیوست کرده اید ؟ ☒ بله ☐ خیر

مروج گرامی

دیدگاه و برداشت شما در پایان هر نشست کتابخوانی برای ما بسیار مهم و با ارزش است .
واکنش های کودکان به کتاب خوانده شده ، رویدادهایی که در کلاس اتفاق افتاده ، گفتگوها و سوالات کودکان
و در کل هر آنچه از نگاه شما در نشست این کتاب جذاب و جالب بوده برای ما بنویسید .

منوایرسید : چرا هیچ کس باهوش بازی نمی کند ؟

مُرس : من آنرا جای لودن میبرددم با مردکده هام بازی می کردم . او نا از پیستم نمی روند .
در محله ای به پیکر به دیوار کلمه زده بود بچه ها تنه های پیکر را می کشیدند در چهره
برضی از آنجا احساس دسوزی برای پیکر دیدم می شد و بیا تنه های خودشان می افتادند
و ز خاطر تنه های خود تعریف می کردند
وقتی به چهره های نقاشی کردم احساسات بگلان را می دیدم واقعاً عاشقان
درستان دارم وقتی اشک در چشمان من بینا به خاطر تنه های پیکر حلقه زد اشک از
چشمان من هم جاری شد اما جلوی بچه ها به روی خودم نیلوردم کار با بچه ها را زیاد دوست
دارم اما تا آن ترس من از کم شدن جمعیت روستا است وقتی آن کار بچه های سال آئینده را از
جداست شرفتم فقط ۶ بچه بودند و من آن کار بسیار را امید کنند بود چون علاوه بر آنکه ممکن است
در سال آئینده کار را از دست بدهم و به دلیل کار کردن با بچه ها احساسات بگلان و لذت بودن از
بودن در کنارشان را هم از دست خواهم داد



پامن بخوان

فرم مهارت های ارزش های زندگی

نام شهر یا روستا: نوناب حاجی آباد

نام مهد یا مدرسه یا مرکز: جوانه های امید

تعداد پسران: ۷

تعداد دختران: ۲۰

نام مربی: مریم حاجی زاده

تاریخ پر کردن فرم: ۱۸/۳/۹۳

۱. چند نفر از کودکان کلاس در فعالیت های کلاسی مثل (نمایش، خواندن، شعر، داستان...) مشارکت نمی کنند؟ (نسبت به گذشته چه میزان تغییر کرده است) ابتدا کسی را که راه طلب نمایش نبود می بینید و از دستش می گیرید و می گویید که شما هم در این کلاس شرکت کنید.

۲. چند نفر از کودکان کلاس در مواقعی که عصبانی و ناراحت می شوند در برخورد با کودکان دیگر و یا مربی خود نمی توانند خشم خود را کنترل کنند؟ (بر داری) (نسبت به گذشته چه میزان تغییر کرده است) ابتدا در کنترل خشم ناموفق بودند که الان ۲ نفر از آنها از گذشته بهتر شده اند.

۳. چند نفر از کودکان در کلاس، کارهایی که نیاز به رعایت نوبت دارد نوبت را رعایت نمی کنند؟ (احترام به حقوق یکدیگر) (نسبت به گذشته چه میزان تغییر کرده است) در ابتدا در رعایت نوبت مشکل داشتند و همیشه خشمی می کردند اما کم کم نوبت را رعایت می کردند و تقریباً هم نوبت را رعایت می کنند به جز مسطقی که قدمتی می کند.

۴. چند نفر از کودکان در کارهای گروهی با دیگران همکاری نمی کنند؟ (نسبت به گذشته چه میزان تغییر کرده است) تا ۶ نفر از کل محدوده در ابتدا قدردان خنثی می شدند.

۵. چند نفر از کودکان نمی توانند به خوبی با همکلاسان خود به خوبی ارتباط برقرار کنند و رفتار محبت آمیزی داشته باشند؟ (صلح و دوستی) مسطقی آنها را خوب باشد رفتار درستی را با آنها انجام می دهد با او حرفه ها را به هم می ریزد.

۶. چند نفر از کودکان در صحبت های شان و گاه درگیری با کودکان دیگر، بددهن و فحاش هستند؟ (احترام به یکدیگر) (نسبت به گذشته چه میزان تغییر کرده است) چه بددهن خنثی کم تر هم ابتدا می شدند.

۷. چند نفر از کودکان در انجام فعالیت ها داوطلب می شوند و اعتماد به نفس کافی در انجام یا اجرای کار در جمع را دارند؟ (نسبت به گذشته چه میزان تغییر کرده است) همه در کارها داوطلبند.

نمونه‌ای از دفتر مشاهداتی یکی از مربیان

Subject:

مراحل
 (دانش‌آموزان از کتاب شکل‌ها در چندین طرح بیان بخوان)
 مرحله اول، واحد کار شکل‌ها در دفتر ۲۳ موضوعات مربوط به واحد کار
 و از میان مربوط به شکل‌ها در دفتر - مثال دایره - مستطیل - مربع - لوز - مثلث و غیره و غیره
 نوع فعالیت (مبحث ریاضی) نام فعالیت: در این فعالیت شکل‌ها
 مربیان و سایرین مختلف که در بالا عنوان شد را با خود به همراه کرده و به مربیان آورده تا آن‌ها بتوانند از نظر رابطه آن‌ها
 کس هستند مربیان بعد از آنکه آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را در اختیار خود قرار دهند و آن‌ها را به زبان
 طرز مرتب پس تعارض آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند
 آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند

نوع فعالیت دوم نام فعالیت (شکل‌ها)
 مربیان از آن‌ها می‌خواهند که در این کار آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند
 تا و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند و آن‌ها را به زبان ساده بیان کنند

Subject:

Date: / /

نوع فعالیت معصم نام فعالیت شکل تعداد نوک افوزل ۱۹

مربی نشاء قسمه را به لایر می دهد از خلاصه می نویسد و بعد از آن اشکال جدید را او را می گوید و هر کس از او

با کمال از نوک افوزل در غذا خورد و وقت که نویسد و سر هم می گوید با هم می گوید و به کمال می گوید

هر کس که می گوید را دوست دارند و هر کس که می گوید و بعد از آن که نویسد و به کمال می گوید

آن نشینند و بعد از این که قسمه تمام شد از کمال نوک افوزل در غذا خورد و به کمال می گوید

بعد از این نوک افوزل می خوانند تا با شکل ها در غذا خورد و به کمال می گوید

نوع فعالیت بازی و سایل بازی توپ محل بازی حیاطه افوزل

مربی نوک افوزل را به حیاطه می آورد و با هم می خد اما هر کس را آغاز می کنند ابتدا به بعضی از نوک افوزل به صورت بازی

بعضی به صورت فعالیت و غیره می آیند و با هم نوک افوزل را به صورت بازی می آورند و به کمال می گوید

دایره می کشند و به هم می خد اما هر کس که می کشد و به کمال می گوید و به کمال می گوید

و بعد از این توپ را بلند می کنند و قبل از آن که توپ به زمین می خورد و به کمال می گوید و به کمال می گوید

با لوزی و غیره ۵ دایره بازی می شود



نمونه‌ای از فعالیت‌های مربیان روستاهای قائنات و نهبدان



▲ فعالیت برای کتاب خانم حنا: شخم زدن زمین که کودکان از وسایل شخم زدن منطقه خود الهام گرفتند.



▲ شخم زدن کشاورزان منطقه خراسان جنوبی در موزه مردم شناسی



▲ عروسک های دست ساز از ساخته شده توسط مربیان روستاهای قائنات و نهبندان ▲



▲ فعالیت کتاب من هم ببرم ▲



▲ فعالیت کتاب چه و چه و چه یک بچه



▲ فعالیت کتاب پنگوئن



▲ فعالیت کتاب چه و چه و چه یک بچه

پیوست شماره چهار

نمونه‌های پیشرفت کودکان از زبان
مربیان نه‌بندان

مریم شبانی، روستای چاهداشی، نهبندان

اشتیاق کودکان به کتاب و کتاب خوانی افزایش قابل توجه یافته است.

مریم تقوی، روستای خونیک سفلی، نهبندان

- تیز بین شده‌اند و خیلی به جمله‌ها و نوشته‌هایی که خوانده می‌شود دقت دارند. در صورتی که نام نویسنده خوانده نشود به تصویر جلد نگاه می‌کنند و می‌پرسند که اینجا چه نوشته شده است.
- با کمک تصویرها می‌توانند داستان را روایت کنند. واژگان آن‌ها بسیار گسترده شده است.
- کودکان بهتر می‌توانند منظور خود را بیان کنند و در بیان خود از ساختارها و دستور زبان درست‌تری استفاده می‌کنند.
- خیلی به خواندن کتاب علاقه پیدا کرده‌اند و دوست دارند همیشه برای آن‌ها کتاب بخوانیم، همه کتاب‌ها را در یک جلسه می‌خواهند تمام کنیم.
- گاه فکر می‌کنم بچه‌ها گوش نمی‌دهند، ولی دیرتر متوجه می‌شوم همان‌ها که به ظاهر گوش نمی‌دادند، در موقع بازی داستان‌ها را برای هم تعریف می‌کنند. «تو ببری» را با هم بازی می‌کنند، «دویدم و دویدم» و «چه چه و چه یک بچه» را با هم بلند می‌خوانند.
- خودمان به کتاب علاقه پیدا کرده‌ایم، اینکه چگونه کتاب را بخوانیم و چگونه کتاب را کار کنیم.

عصمت رضاپور، روستای میغان، نهبندان

- علاقه‌ی کودکان برای قصه گفتن بیشتر شده است. برای مثال ساعتی که اختصاص به کتاب‌های درسی دارد می‌گویند اول کتاب داستان بخوانید یا بعضی کتاب‌ها را که کار شده می‌گویند دوباره بخوانید تا کاردستی درست کنیم.
- تمرکز و علاقه بچه‌ها زیاد شده است و دوست دارند کتاب‌ها دو سه بار برایشان خوانده شود.
- بعد از خواندن کتاب، اگر کتاب دستشان باشد و داستان را ببینند، داستان را کامل تعریف می‌کنند و اگر نباشد هم با کمی تغییر و حذف و اضافه تعریف می‌کنند.
- بچه‌ها در گفت و گوی روزمره لهجه‌هایشان را حفظ می‌کنند، اما به هنگام خواندن کتاب و یا تعریف داستان، بدون لهجه و فارسی صحبت می‌کنند.
- حتی زمانی که از روی کتاب تعریف می‌کنند، حواسشان به نام نویسنده است، اما چون اسمش را حفظ نیستند می‌گویند: «اسم نویسنده را هم که بلد نیستم».
- «واژه نامه چیستانی- تصویری» را بچه‌ها خیلی دوست دارند. با کمک هم جواب چیستان‌ها را پیدا می‌کنند و هر کدام چیزی می‌گویند تا در آخر به جواب برسند. برای مثال پیش از این به تمام حشره‌ها می‌گفتند لیلک. الان نام انواع حشره‌ها را یاد گرفته‌اند.
- بچه‌ها دوست دارند کتاب‌ها را در طبیعت بخوانم.
- علاقه به کتابخوانی در خود ما مربیان مهد بیشتر شده است، حتی در ساعات استراحت خود از کتاب‌های «با من بخوان» می‌خوانیم.
- مادرها از ما خواسته‌اند در تابستان برای بچه‌هایشان روزی یک ساعت کلاس کتابخوانی بگذاریم.

رحیمه حیدری تنها، روستای مهدی آباد، نهبندان

- تمرکز کودکان نسبت به پیش از طرح بیشتر شده است.
- کتاب «دویدم و دویدم» را خیلی دوست دارند و همیشه می‌خواهند آن را برایشان بخوانم.
- کلمات جدید و کتابی رایاد گرفته‌اند.
- هر موقع که می‌آیند سر کلاس اول کتاب‌هایی که دوست دارند را نگاه می‌کنند.
- برای کتاب خرس کوچولو، بچه‌ها را بردم جایی که روی رسوب‌های خشک شده آب (که در زبان محلی «لا» می‌گویند) راه بروند و با صداهاى مختلف آشنا شوند. وقتی روی لا راه می‌رفتند می‌گفتند این صدای چه بود، صدای پای من بود؟ و من گفتم که این صدای پای همه‌ی شماست.
- کتابخوانی سبب شده است بچه‌ها از تشبیه‌های نو در گفتار خود استفاده کنند. برای مثال یک بار که تگرگ می‌آمد، بچه‌ها می‌گفتند: «از آسمان دارد نقل می‌آید».
- کتاب «خشم قلمبه» باعث تقویت تخیل بچه‌ها شده و بچه‌ها می‌توانند خشم را بکشند و بچه‌ها شروع به پرسش کرده‌اند.

اکبری، آخوندی و رحیمی، مهد شکوفه، طوطیا، شهر نهبندان

- اکبری: میزان تمرکز کودکان و مشارکت آنها نسبت به گذشته بیشتر شده است.
- اکبری: بچه‌ها دوست داشتند کتاب «چه و چه» را هر روز برایشان بخوانم و میزان آگاهی و مشارکت کودکان در فعالیت‌ها بیشتر شده است. کتاب‌ها بر اساس الویت و علاقه بچه‌ها خوانده می‌شود.
- اکبری: کودکان با «واژه‌نامه چیستانی» با جانورانی که ندیده بودند، آشنا شدند.
- آخوندی: بچه‌ها چیستان‌ها را خیلی دوست دارند و آخر هر کلاس چیستان می‌خوانم. بچه‌ها یاد گرفته‌اند و سریع جواب چیستان‌ها را می‌دهند.
- رحیمی: رویا پردازی در ذهن بچه‌ها زیاد شده است.
- آخوندی: لهجه بچه‌ها کتابی شده و حتا بچه‌ها به هم یادآوری می‌کنند که باید کتابی صحبت کرد.
- اکبری: تخیل بچه‌ها خیلی زیاد شده است، یکی از بچه‌ها برای خورشید پا کشیده بود، من گفتم این چیه؟ عنکبوت؟ گفت نه خورشیده! گفتم پس چرا پا داره؟ گفت مگه نمی‌بینی هر روز چقدر راه می‌ره؟ دقت بچه‌ها زیاد شده، ماشین که می‌کشند چرخ‌ها را گرد کرده تو هم می‌کشد. وقتی می‌گویم چرا چرخ‌هایش اینطور است؟ می‌گویند مگر نمی‌بینی داره با سرعت میره!
- رحیمی: معلم‌ها خودشان علاقه‌شان به کتاب خواندن و داستان خواندن بیشتر شده است.

سمیه قاضی و مریم قاسمی، مهد و پیش دبستان دنیای فرشتگان، شهر نهبندان

- وقتی کلمات قبلی را از آنها می پرسیدیم شاید همه معنی دقیق کلمه را نمی گفتند ولی بیشتر آنها دقیق به همان کلمه اشاره می کردند و یا درباره ی آن کلمه آگاهی های زیادی به دست آورده اند.
- چون سری دوم کتاب ها در مورد ارزش های زندگی بود مثلا در مورد خشم، غمگین شدن و ترسو بودن و خوشحال شدن، متوجه شدم که تمرکز آنها زیاد شده است. به خوبی می توانند در تصویرها تفاوت ها را متوجه شوند.
- به نظر من کتابخوانی ابتدا توان یا مهارت گوش دادن آن ها را زیاد کرده است و بعد از آن قدرت بیان آن ها را. با گذشت زمان قدرت بیان آن ها خیلی بهتر شده است.
- تعداد افرادی که تمرکز در کلاس دارند بیشتر شده و می توانند در همان جلسه ی اول بعد از خواندن کتاب، کتاب را دوباره تکرار کنند.
- قبلا اگر کتاب را می دیدند کمتر اسم کتاب به یادشان می آمد اما در این دوره هر کجا کتاب ها را ببینند همان داستان و نام کتاب را خیلی به راحتی به یاد می آورند.
- قاسمی: بچه ها یاد گرفته اند با مشارکت هم کتاب بخوانند و کتاب برای همه باشد.

ام البنین نجفی پور، روستای حیدرآباد، نهبندان

- کتاب ها خیلی خوب بود. گاهی پیش آمده که بچه ها بخواهند یک کتاب را برایشان دوبار یا بیشتر بخوانیم. گفتار بچه ها تغییر کرده و از کلمات جدید در مکالماتشان استفاده می کنند، دایره واژه های شان گسترده شده، از روی عکس ها و تصاویر کتاب می خوانند و ممکن است گاهی یک جاهایی را تغییر دهند.
- کتاب آواورزی و الفبا ورزی خیلی روی زبان بچه ها تاثیر داشته است.
- دقت بچه ها در گوش دادن زیاد شده است و اگر کتاب را طوری بخوانیم که قبلا نخوانده ایم می گویند نه اینجا نبود این جا یک چیز دیگر بود، یا اینجا این بود...
- بچه ها به بازیافت دور ریزها علاقه پیدا کرده اند. مثل جمع کردن تخمه ها و استفاده از ظرف ژله های کوچک برای درست کردن صورت آدمک. بچه ها دوست دارند با چیزهایی که پیدا می کنند مثل گوش ماهی، کاردستی درست کنند.
- دقت و توجه بچه ها بیشتر شده مثلا به رد پاهایی که می بیند دقت و توجه می کنند در صورتیکه قبلا به سادگی از کنارش می گذشتند، مثلا می گویند نگاه کنید خانوم، جای پای پرنده یا گوسفند!
- روی اسم کتاب و نویسنده حساس شده اند.

عذرا بخشی، روستای بندان، نهبدان

- بچه‌ها کتاب‌ها، به خصوص کتاب‌های شعر را خیلی دوست دارند.
- یادگرفته‌ایم چگونه کتاب بخوانیم، حتا زمانی که یادمان می‌رود، بچه‌ها یادآوری می‌کنند اسم ناشر و نویسنده و تصویرگر را بگوییم.
- بچه‌ها با حروف آشنا شده‌اند. در کتاب الفباورزی، به سادگی شعرها را حفظ شده‌اند و می‌خوانند.

زهرا حسنی ذهاب، روستای ذهاب، نهبدان

- من کارم با طرح شما شروع شد و خیلی روی من تاثیر گذاشت.
- کتاب‌ها خیلی خوب بود و بچه‌ها به راحتی احساس‌های خود را نقاشی می‌کردند.

معصومه جنگی، روستای خوانشرف، نهبدان

- بچه‌ها خیلی سوال می‌کنند و دقتشان روی تصاویر خیلی زیاد شده است.
- بیشتر پدر مادرها راضی هستند و می‌گویند اعتماد به نفس بچه‌های شان بیشتر شده است و می‌توانند حرفشان را بزنند. یکی از بچه‌ها لکنت داشت و حرف نمیزد و وقتی حرف می‌زد بچه‌ها مسخره‌اش می‌کردند. از وقتی بچه‌ها یاد گرفته‌اند که همدیگر را مسخره نکنند، او حرف می‌زند، حتی اگر مسخره‌اش هم کنند باز حرف می‌زند.

پیوست شماره پنج

نمونه‌های پیشرفت کودکان از زبان
مربیان قاین

مریم حاجی زاده، روستای نوغاب حاجی آباد، قاین

- از زمان آغاز طرح و نسبت به سه ماه گذشته به نظر من تمرکز و بیان کودکان بسیار زیاد شده، یعنی تغییر محسوسی داشته است. مثلاً در تناظر یک به یک اشیاء در بخش نیمه مجسم دقت بیشتری به کار می‌برند یا در نقاشی کشیدن، در آبان و آذر وقتی از بچه‌ها می‌خواستم موضوعی را نقاشی کنند بچه‌ها نقاشی می‌کردند اما در برخی موارد آنچه دلشان می‌خواست می‌کشیدند و ربطی به موضوع نداشت و یا آنچه بلد بودند نقاشی می‌کردند و اغلب توضیح کمی در مورد نقاشی‌هایشان می‌دادند. اما در اسفند و اردیبهشت داستان‌هایی برای نقاشی‌هایشان می‌گویند که گاه حتا از حوصله من هم خارج می‌شود و اگر نقاشی در ظاهر مربوط به موضوع نبود اما آن داستان‌ها را دقیقاً بیان می‌کردند.
- وقتی کتاب پوکا و مین را خواندم بچه‌ها معنی حشره را فهمیدند مثلاً برایم ملخ می‌گرفتند و می‌گفتند برایتان حشره گرفته‌ام و با هم پاهایشان را شماره می‌کردیم. البته همیشه از بچه‌ها می‌خواستم که آزادشان کنند.
- در هفته ۲ بار به کلاس پیش دبستانی و ۱ بار به کلاس‌های بالاتر کتاب قرض می‌دادم و چون برای دختران کلاس‌های اول و دوم و سوم مدرسه هم طرح را اجرا می‌کردم فقط به دخترها کتاب امانت می‌دادم، پسرهای این کلاس‌ها هر روز با التماس می‌آمدند و درخواست کتاب می‌کردند.
- ابتدا بچه‌های زیاد داوطلب نمایش نبودند، چون نمی‌دانستند باید چه کاری انجام دهند اما الان اکثر بچه‌ها و تقریباً همه سر نقش‌ها در نمایش با هم دعوا می‌کنند.
- در ابتدا صف آبخوری یا موقع دست شستن خیلی شلوغ می‌کردند، اما اکنون همه نوبت را رعایت می‌کنند.
- در صحنه‌ای که در کتاب «من هم ببرم» پسرک به دیوار تکیه زده است، بچه‌ها تنهایی پسر را احساس کردند و در چهره برخی از آن‌ها احساس دلسوزی برای پسرک دیده می‌شد و به یاد تنهایی خودشان می‌افتادند و از خاطرات تنهایی خود تعریف می‌کردند. وقتی اشک در چشمان یکی از بچه‌ها به خاطر تنهایی پسرک حلقه زد، اشک از چشمان من هم جاری شد اما جلوی بچه‌ها به روی خودم نیاوردم.
- وقتی برایشان قصه تعریف می‌کنم انگار یک فیلم گوش می‌کنند.
- نمایش کتاب «دویدم و دویدم» بسیاربرایشان جذاب بود. بچه‌ها در این کتاب همکاری را تجربه کردند و کار گروهی انجام دادند. انگار یک مسئولیت بزرگ را به اتمام رسانده‌اند. نمایش برای بچه‌های کوچک بسیار جالب است. حرکت دادن عروسک خیلی طرفدار دارد و همه بچه‌ها دوست دارند عروسک گردان باشند.
- در کتاب «خشم قلمبه» از بچه‌ها خواستم در نمایش خشم خود را کوچک کنند. یکی از بچه‌ها پرسید چه جوری باید قلمبه را کوچک کنیم؟ من گفتم: شما چه فکر می‌کنید؟ یکی از بچه‌ها گفت: باهاش حرف نزنیم خودش می‌ره. به بچه‌ها گفتم هرچه شما عصبانی و خشمگین شوید او قوی‌تر می‌شود. یکی از بچه‌ها پرسید پس چه جوری او را کوچک کنیم؟ گفتم هر وقت قلمبه از اعماق بدن شما بیرون آمد شما باید آب سرد بخورید و برید جایی که آرام می‌شوید و سعی کنید کسی را اذیت نکنید و به چیزی آسیب نرسانید. از آن روز اگر کسی در کلاس عصبانی می‌شود بچه‌ها به او می‌گویند: قلمبه!
- کلی از کتاب‌ها ایده گرفته‌ام و تمام دیوارهای کلاس را تزئین کرده‌ام. مخصوصاً از کتاب آواورزی.
- با کار با الفباورزی بچه‌ها شعرها را یاد گرفته‌اند و الان حروف را تشخیص می‌دهند.

اشرف عبدالمهی، روستای خشکان، قاین

- در ابتدا اصلاً به قصه‌ها علاقه نداشتند و بیشتر بچه‌ها گوش نمی‌دادند ولی کم‌کم سر جای خودش می‌نشینند و گوش می‌دهند. من یک ابتکار دیگر هم زده‌ام. وقتی می‌خواهم خواندن یک کتاب را شروع کنم، شمع روشن می‌کنم که بچه‌ها همه توجه‌شان جلب شود و وقتی قصه تمام می‌شود، بچه‌ها شمع را با هم فوت می‌کنند.
- حدس کودکان بیشتر شده است، دقت به جزئیات داخل تصویرها زیاد شده است.
- همین که توسط مربی گفته می‌شود این ساعت نوبت کتابخوانی است همه‌ی کودکان سر جایشان نشسته و منتظر این هستند که مربی کدام کتاب را می‌خواهد با دستش بالا بگیرد و معرفی کند.
- وقتی کتاب امانت می‌گیرند خیلی مراقب کتابشان هستند که خراب نشود.
- صبر و بردباری بچه‌ها خیلی زیاد شده است.
- شرکت در فعالیت‌ها خیلی بیشتر شده است و در بحث‌های گروهی پیشرفت کرده‌اند.

حمیده بنی اسدی، روستای فضل آباد، قاین

- کودکان ما امسال نسبت به سال‌های گذشته خیلی فرق کرده‌اند. آن‌ها تنها به خاطر کتاب‌های با من بخوان به کلاس می‌آیند. کتاب‌ها خیلی با ارزش‌اند و کودکان خیلی چیزها از آن‌ها آموختند. آن‌ها تمرکز بیشتری یافته‌اند و به موقع به کلاس می‌آیند.
- با این اتفاق جالب که ما به کودکان در این مدت کتاب امانت می‌دهیم که در خانه‌هایشان هم برایشان بخوانند، باعث شده است که کتاب را مثل دوست خود بدانند. یکی از کودکان می‌گفت من کتاب‌ها را مثل پدر و مادرم دوست دارم.
- بچه‌ها وقتی کتاب‌ها را به خانه می‌برند، مادرها می‌گویند تا صبح بچه‌ها می‌خوانند که این کتاب را برایشان بخوانیم.
- خودم هم علاقه پیدا کرده‌ام و با روحیه شادتری به کلاس می‌روم.
- بچه‌ها از حس‌ها و ترس‌های‌شان حرف می‌زنند.
- یکی از بچه‌ها به مهد نمی‌آمد ولی به خاطر کتاب‌ها توجه‌اش جلب شده است و به مهد می‌آید.

نسرين غلامی، روستای شهرک قدس، قاین

- نسبت به اول سال تغییرات زیادی کرده‌اند، به خصوص در استفاده از کلمات کتابی. پیش از این بیشتر از کلمات محلی استفاده می‌کردند، اما اکنون بیشتر با همدیگر کتابی صحبت می‌کنند.
- بچه‌ها کتاب‌ها را دوست دارند و موقع کتابخوانی سرو پا گوش هستند.
- چند نفر که در ابتدا کم حرف بودند و کمتر در جمع صحبت می‌کردند با شرکت در نمایش و بازگویی قصه‌ها نسبت به گذشته بهتر شده‌اند.

فاطمه بنی اسدی، روستای گزنشگ، قاین

- اولین سال کار من بود و این طرح خیلی به من کمک کرد و باعث شد که انگیزه بیشتری به کار با کودکان داشته باشم.
- قبلاً وقتی قصه‌ای خوانده می‌شد یا کاری انجام می‌شد کودکان زیاد توجه نمی‌کردند و بیشتر به بازی سرگرم می‌شدند، اما با گذشت زمان توجه و دقت نظر آنها خیلی بهتر شده است و با شنیدن نام کتاب جدید و یا کار جدید کنجکاوای زیادی نشان می‌دهند و به دنبال آن هستند تا از آن سر در آورند و بفهمند. به عنوان مثال یک روز پس از تعریف قصه‌ی «چگونه می‌شود بال شکسته‌ای را درمان کرد؟» کلاس را ترک کردم و پنهانی متوجه بچه‌ها بودم و دیدم که عده‌ای از بچه‌ها دور هم نشسته‌اند و داستان را برای هم توضیح می‌دهند، به نوعی هر کدام بخشی را بیان می‌کردند و هر بخشی را که یکی نمی‌گفت یکی دیگر می‌گفت. قبلاً به کبوتر می‌گفتند کفتر، اما بعد از خواندن قصه، واژه‌ی کبوتر را به کار می‌بردند.
- وقتی کتاب «چگونه می‌شود بال شکسته‌ای را درمان کرد؟» را خواندیم فردا پسرهای پلخمون‌هایشان (تیر و کمان) را آوردند مهد و به من دادند و گفتند دیگر پرنده‌ای نمی‌زنند.
- یکی از بچه‌های ۵ ساله که فقط با اشاره حرف می‌زد و فقط در یک گوشه می‌نشست و در هیچ فعالیتی شرکت نمی‌کرد، در روزهای آخر شروع به شعر خوانی با بچه‌ها کرد که همه بچه‌ها خوشحال شده بودند.
- بچه‌ها با قیچی اصلاً کار نمی‌کردند چون خانواده‌ها فکر می‌کردند که خطرناک است و وقتی دیدند بچه‌ها چه کارهایی می‌توانند انجام دهند و پوشه آن‌ها را دیدند، تعجب کردند. بچه‌ها خیلی در دست ورزی پیشرفت کرده‌اند.

فاطمه عجمی، روستای جعفر آباد، قاین

- تمرکز آنها بالا رفته است و حالا دیگر در اجرای نمایش‌ها به هم کمک می‌کنند. بچه‌های خجالتی بهتر شده‌اند. در فعالیت‌های گروهی بیشتر شرکت می‌کنند. اوایل در نمایش فقط یک پسر بود که داوطلب می‌شد ولی حالا بیشتر آنها داوطلب می‌شوند.
- دایره‌ی واژگان آنها زیاد شده است.
- قبلاً به کتاب‌ها بی‌توجه بودند ولی حالا دیگر از کتابی به راحتی نمی‌گذرند.
- خانواده‌ها کاملاً در جریان طرح هستند و خیلی از پیشرفت بچه‌ها راضی‌اند.

مریم میامی، شهر خضری و دشت بیان، قاین

- بعد از چند روز خودشان داستان‌های خوانده شده را برای هم تعریف می‌کنند. این نشان می‌دهد دقت و تمرکزشان نسبت به چند ماه گذشته بالا رفته است.
- قبلاً خجالت می‌کشیدند و جرات بیان داستان را نداشتند. ولی حالا خودشان داوطلب می‌شوند تا بیایند و قصه را دوباره برای بچه‌ها بازگو کنند.
- علاقه‌شان به کتاب بیشتر شده و خودشان در خواست می‌کنند برایشان کتاب بخوانم.
- مشارکت آنها نیز بیشتر شده است.

فاطمه عربی، روستای نوغاب پسکوه، قاین

- خیلی از کودکان به کتاب خوانی علاقه مند شده اند. در کل نسبت به سال های گذشته بهتر شده اند. هر چه رو به آخر سال می رفتیم تمرکز کودکان بیشتر می شد، مثلاً اگر در هنگام نشست کودکی با دیگری حرف بزند بچه ها ناراحت می شوند و می گویند برای مثال زهرا حواسمون رو پرت می کند. اینکه قبل از خواندن کتاب شمع روشن می کنیم، برای کودکان بسیار جالب است.
- دقت کودکان به جزییات کتاب ها بیشتر شده است.
- خانواده ها خیلی از کتاب ها راضی هستند، به ویژه آن که می توانند کتاب ها را به امانت به خانه ببرند.
- این طرح باعث شد که ما از روز قبل فکر کنیم که چه کاری باید بکنیم و برنامه کاری داشته باشیم و خلاق تر باشیم.

طیبه زارع پور، روستای پهنایی، قاین

- اکثر آنها در اوایل نوبت را رعایت نمی کردند ولی حالا همه ی آنها نوبت را رعایت می کنند.
- اکثر آنها از همکاری با گروه گریزان بودند ولی حالا در این طرح با من بخوان همه کودکان از کار گروهی استقبال می کنند.
- قبل از اینکه طرح با من بخوان را در پیش دبستانی شروع کنیم موقع آموزش کتاب های آموزشی برای اینکه بتوانیم حواس و تمرکز کودکان را حفظ کنیم، مشکل داشتیم ولی با شروع طرح، در هنگام نشست کتابخوانی زمانی که می خواهیم کتابخوانی را شروع کنیم شمع را روشن می کنیم. با این کار کودکان خودشان به صورت نیم دایره می نشینند و همه ی حواسشان متوجه من می شود. تمرکز کودکان خیلی بیشتر شده است.
- رویدادهای داستان را به درستی بیان می کنند. بیان و جمله بندی کودکان بهتر شده است و به عنوان نمونه مادران یکی از کودکان می گفت که فرزندش تلفظ برخی از کلمات را بلد نبود ولی حالا که شما در پیش دبستانی کتابخوانی می کنید خیلی بهتر شده، به طوری که دیگر مشکلی ندارد و من خیلی خوشحالم.
- کتاب الفباورزی باعث تلفظ صحیح حروف در کودکان شده است، مخصوصاً کودکانی که در تلفظ در برخی از کلمات مشکل داشتند.
- کارگروهی بچه ها عالی شده است. قبلاً خجالتی بودند و دست به قیچی هم نمی زدند. اکنون هم در فعالیت های گروهی خجالتی نیستند و هم دست ورزی شان خوب شده است.
- کلاً طرح با من بخوان برای کودکان خیلی مناسب است زیرا هر آنچه که کودکان در دوره ی پیش دبستانی باید انجام دهند و بدانند همه و همه در این طرح گنجانده شده است.

فرزانه مرادی، روستای محمد آباد پسکوه، قاین

- اکثر بچه ها درست (کتابی) حرف می زنند و تلفظ کلمات آنها خیلی فرق کرده است. کتاب آواورزی خیلی خوب و تاثیر گذار بوده است.
- قبل از طرح خیلی خجالتی بودند، اما الان با جرات و اعتماد به نفس می آیند و نمایش می دهند.
- بچه ها در تشخیص رنگ خیلی خوب شده اند.
- تصویر کتاب ها خیلی خوب بود.
- با هم دیگر خیلی بهتر کنار می آیند.
- مطمئن هستم وقتی به مدرسه بروند مشخص می شود که تغییرات زیادی کرده اند.

حمیده شبان، روستای موسویه، قاین

- خانواده‌ها از اینکه کتاب‌ها و نما کارتهای خوب و جدید به دست بچه‌هایشان رسیده بود بسیار خوشحال بودند. خانواده‌ها می‌گفتند سطح علمی بچه‌ها بالا رفته، کم‌کم سوالاتی می‌کنند که ما گاهی نمی‌توانیم جواب بدهیم.
- تا پیش از این کسی به فکر بچه‌های روستا نبوده است.
- این برنامه باعث شد که ما وارد کار عملی با بچه‌ها شدیم و آنچه را که در کارگاه‌ها آموختیم بلافاصله عمل کردیم که خیلی کمک به آموزش ما کرد.
- در حسینیه روستا یک جشن بود و بچه‌ها گفتند که می‌خواهند شعر «می‌خواهیم یک خرس شکار کنیم» را بخوانیم. من گفتم جایش نیست ولی بچه‌ها اعتراض کردند و شعر را خواندند. پدرها تعجب کرده بودند که چطور بچه‌ها شعر به این بلندی را حفظ هستند.
- تا حالا ما فکر نکرده بودیم که به بچه زیر ۶ سال هم می‌شود کتاب به امانت داد، ولی بچه‌ها با ذوق صف می‌کشیدند و می‌گفتند نمی‌شه دو تا کتاب به ما بدهد.
- اینکه افرادی از تهران به ما توجه داشته‌اند باعث دلگرمی و انگیزه ما شد. اکنون می‌خواهیم پی‌گیر باشیم که این بچه‌ها در کلاس اول چه تفاوتی با بقیه خواهند داشت.

پیوست شماره شش

گزارش فعالیت‌های کتابخانه‌های
قاین و نهبندان در تابستان

پیش دبستان فاطمیه، روستای خشکان، قاین اشرف عبدللهی

کتابخانه پیش دبستان فاطمیه خشکان در تابستان راه اندازی شد، در ابتدا اطلاع رسانی مناسب انجام نشده بود و والدین بر این تصور بودند که این کتابخانه تنها برای کودکان زیر شش سال است. اما پس از مدت کوتاهی که متوجه شدند تمام گروه های سنی می توانند از کتابخانه استفاده کنند، استقبال والدین بیش از حد شده است. کتابخانه همچنان برقرار است و استقبال از آن چشم گیر تر شده است.

مهد و پیش دبستانی هانی، قاین روستای گزنشک، قاین حمیده بنی اسدی

کتابخانه ی با من بخوان در تاریخ ۹۳/۴/۸ افتتاح شد. پس از برجسب زدن و طبقه بندی کتاب ها، قرار شد هر هفته یک جلسه (در روزهای چهارشنبه) کتابخانه برای استفاده علاقه مندان باز باشد. هفته ی اول هشت نفر عضو شدند و کم کم در هفته های بعد استقبال بیشتر شد. بیشتر در رده های سنی کودک و نوجوان از کتاب ها استفاده می کنند. بزرگسالان هم به علت کمبود منابع بزرگسال، به صورت نوبتی و زنجیره ای از کتاب ها استفاده می کنند. استقبال از کتاب هایی مانند «خواندن با کودک از تولد تا سه سالگی» بسیار زیاد بود، اما متأسفانه تعداد کتاب ها به نسبت تعداد مادران مراجعه کننده، کم بود. تعداد اعضای ثابت ۳۵ نفر هستند. البته برخی که عضو نیستند هم به کتابخانه مراجعه و از کتاب ها استفاده می کنند. مراجعه والدین به کلاس قرآن که در نزدیکی محل کتابخانه برگزار می شود، در افزایش استفاده از کتابخانه تاثیر دارد. به طور کلی با توجه به این که در روستا کتابخانه ی دیگری وجود ندارد، طرح با استقبال و پیشرفت خوبی رو به روست.

پیش دبستانی ساجده، روستای نوغاب پسکوه، قاین فاطمه عربی

در فاصله یک هفته پس از تاریخی که کتاب ها به دست ما رسید، کتاب ها را به مهد برده و تمامی کتاب ها را رده بندی، عنوان بندی و گروه بندی کردم و آن ها را در قفسه چیدم. در تاریخ ۹۳/۳/۱۶ در دوره ی قرآن- مساجد- بسیج دبستان، کتابخانه را معرفی و برای عضویت در آن تبلیغ کردم. دانش آموزان و خانواده هایشان استقبال خوبی کردند. روزهای جمعه بعد از نماز ظهر، (از ساعت ۱ بعد از ظهر)، در مهد برای استفاده از کتابخانه باز بود. بیشترین استفاده کنندگان، کودکان دبستان بودند. کتابخانه همچنان برقرار است و روز به روز استقبال بیشتر می شود.

کتابخانه‌ی آرزو، روستای موسویه، قاین حمیده شبان

در تاریخ ۹۳/۳/۱۰ یک مکان و سپس یک اسم برای کتابخانه مشخص شد: «کتابخانه‌ی آرزو». کارت برای تبلیغات چاپ شد و تمام مدرسه‌ها و اهالی روستا مطلع شدند. در تاریخ ۹۳/۳/۱۲ اولین مراجعه کننده به نام مهدیه اکبری، ۱۰ ساله، به کتابخانه آمد. مهدیه علاقه‌ی شدیدی به کتاب دارد. او را به عنوان همکار فعال کتابخانه برگزیدم و از او خواستم تا چند نفر از همکلاسی‌هایش را به کتابخانه دعوت کند. با کمک آن‌ها کتابخانه را مرتب کردیم. کتاب‌ها همه برچسب‌گذاری شد و در سرجایشان قرار گرفتند. از تاریخ ۹۳/۳/۱۵ مراجعه دانش‌آموزان و خانواده‌ها آغاز شد. اوایل روزی دو سه مراجعه کننده داشتیم. اما به سرعت در حدود ۵۰ نفر از کودکان و اهالی روستا جذب کتابخانه شدند و تقریباً همه‌ی افراد از تمام کتاب‌های گروه سنی خودشان استفاده کردند. چون کتابخانه در محل آرایشگاه من بود، خانم‌های زیادی توانستند از کتاب‌های گروه‌های سنی بزرگسال استفاده کنند. مشتری‌های راه دوری که از روستاهای اطراف به آرایشگاه مراجعه می‌کردند، نیز از کتاب‌های ما بی‌نصیب نماندند. متأسفانه تعداد کتاب‌های آموزشی و مناسب والدین، در رابطه با «شیوه‌ی رفتار با کودک» کم بود. به علت اینکه این کتابخانه اولین کتابخانه‌ی روستا است، بچه‌ها با علاقه‌ی زیاد به کتابخانه مراجعه می‌کنند. ساعت کار کتابخانه هم به دلیل این‌که به منزل شخصی خودم متصل است، صبح تا عصر است و هر زمان که کسی به کتابخانه مراجعه کند، من در خدمت آن‌ها هستم. کودکان تعداد زیادی کتاب با نام خودشان به کتابخانه هدیه کرده‌اند. از هر کودک که عضو کتابخانه شد، مبلغ ۱۰۰۰ تومان دریافت کردم و مقداری وسایل مثل قفسه و... برای کتابخانه تهیه کردم. چون کتابخانه داخل آرایشگاه است هنوز فعال است و خانواده‌ها از کتاب‌ها استفاده می‌کنند. آرزو دارم یک جرعه ایجاد شود که من بتوانم از طریق شما اولین کتابخانه‌ی روستا را احداث کنم که برای همیشه یاد بود طرح شما در این روستا باشد.

پیش دبستان یاس های کوچک، روستای پهنایی، قاین طیبه زارع پور مفرد

پس از تحویل گرفتن کتاب ها قرار شد که در تعطیلات تابستان یک روز در هفته، کتابخانه ی کوچکی در محل پیش دبستانی دایر شود تا همه گروه های سنی از کتاب های کتابخانه استفاده کنند. کتاب ها بر اساس رده های سنی برچسب های رنگی خوردند. چند میز و صندلی هم در همان اتاق قرار دادیم و کارمان را شروع کردیم. روستای ما تا به حال کتابخانه ای نداشته است به همین دلیل وقتی که به بچه های پیش دبستانی اطلاع داده شد که کتابخانه ای دایر شده، همه ی آن ها به کتابخانه آمدند. بچه ها در روزهای اول آشنایی نداشتند که چه کاری باید بکنند. ما مریبان آن ها را راهنمایی کردیم و به آن ها حق انتخاب دادیم. بچه ها هم احساس استقلال می کردند و از اینکه خودشان باید از بین کتاب ها، کتابی را که دوست دارند انتخاب کنند، بسیار لذت می بردند.

بعد از روز اول هر روز بر تعداد کودکانی که برای گرفتن کتاب می آمدند، افزوده شد. بچه هایی که روزهای اول می آمدند برای بقیه ی دوستانشان تعریف می کردند و هفته ی بعدی کودکان جدیدی مراجعه می کردند. حتی در بین آن ها کودکانی ۲ یا ۳ ساله هم بودند که با مادرانشان می آمدند. یکی از این مادران می گفت که فرزندم با دیدن بچه هایی که کتاب داستان در دست دارند، مرا مجبور کرده که به این جا بیایم تا کتابی را انتخاب کند.

ساعت کار کتابخانه ی ما روزهای چهارشنبه از ساعت ۹ شروع می شد. من زودتر از بقیه یعنی ساعت ۸/۳۰ به کتابخانه می رفتم تا کتاب های به هم ریخته را مرتب کنم. وقتی که می رسیدم، می دیدم بچه ها کتاب به دست پشت در نشسته اند و منتظرند تا در باز شود. حتی تعدادی از آن ها را توی کوچه می دیدم که چون در بسته بود، در حال برگشتن بودند. با دیدن من شروع به دویدن می کردند و به کتابخانه می آمدند. به دلیل استقبال زیاد بعضی از روزها از ساعت ۹ صبح تا ۱۳/۳۰ کتابخانه باز بود. من با دیدن این شور و شوق کودکان به وجد می آمدم و هر روز با انرژی تر از روز قبل به کتابخانه می رفتم. مهم تر از همه چون این کار جنبه ی مادی نداشت، احساس خوبی به من دست می داد. احساسی که برای اولین بار تجربه کردم. تعداد عنوان های کتاب ها در زمینه ی تربیت کودکان، ویژه ی بزرگسالان (مادران)، بسیار کم بود و به همین دلیل والدین برای خواندن کتاب باید نوبت می گرفتند. هر روز می آمدند و منتظر می ماندند تا کتاب را بیاورند و با هم بحث می کردند که کدامیک زودتر کتاب ها را ببرند.

استقبال بسیار عالی بود، به طوری که کتابخانه ی ما ۱۶۰ عضو دارد. در چهارشنبه ی آخر شهریور در محل پیش دبستانی (کتابخانه) بین اعضای فعال قرعه کشی برگزار شد و هدایایی به آن ها داده شد که باعث خوشحالی بیشتر کودکان شد. با شادی آن ها من هم خیلی خوشحال بودم و با خود می گفتم چه می شد اگر پیش دبستانی می توانست رایگان باشد...

پیش دبستانی ابن سینا، روستای نوغاب حاجی آباد، قاین مریم حاجی زاده نوغاب

کتابخانه‌ی روستای نوغاب حاجی آباد در تاریخ ۹۳/۳/۲۳ در مکان بسیج خواهران روستا افتتاح شد. از آنجا که اینجانب در این مکان مسئولیت کلاس نوجوانان را برعهده داشتم، به اعضای کلاس اطلاع رسانی کردم تا به گوش دیگران برسانند. با همکاری دخترم و چند تن از دانش آموزان مدرسه سعی کردم راه اندازی کتابخانه را به اطلاع اهالی روستا برسانم. البته خود نیز به دوستانم اطلاع داده بودم. با کمک همسرم کتاب‌ها را پس از برچسب زدن بر اساس گروه‌های سنی و موضوعات مختلف، در در قفسه‌ی فلزی که از پیش آماده کرده بودیم، جای دادیم.

در روز ۹۳/۳/۲۳، اولین روز بازگشایی کتابخانه، نزدیک به ۱۵ نفر عضو کتابخانه شدند. آن‌ها از کتاب‌ها راضی بودند. در ابتدا به دلیل نبودن کتاب‌ها و رنگ‌های شادشان علاقه نشان می‌دادند، اما بعدها محتوای کتاب‌ها نیز آن‌ها را به سوی کتابخانه می‌کشاند. در هفته‌ی دوم ۹ نفر و در هفته‌ی سوم ۳ نفر بر تعداد اعضا اضافه شد. در هفته‌ی آخر شهریور تعداد اعضای که از کتابخانه کتاب به امانت بردند با احتساب کسانی که تنها یک کتاب قرض گرفته بودند، به ۵۷ نفر رسید.

بیشتر استفاده‌کنندگان از کتابخانه ابتدا نوجوانان دختر بودند، چون از اعضای کلاس خودم بودند و بیشترین حضور را داشتند. سپس کودکان دبستان و بعد از آن‌ها بزرگسالان نیز جذب کتابخانه شدند. کودکان هم به علت فعالیت‌های دخترم و دوستانش، پس از نوجوانان بیشترین حضور را داشتند. بزرگسالان از دو گروه پیشین استفاده‌ی کمتری از کتابخانه کردند. البته استفاده‌ی کمتر بزرگسالان به دلیل کمی عنوان‌های کتاب‌های مربوط به گروه سنی آن‌ها و شاید هم متفاوت بودن موضوعات مورد علاقه‌ی آنان با عنوان‌های موجود در کتابخانه بود.

بیشترین کتاب‌های مورد استفاده کتاب‌های رمان نوجوان، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، خرگوش حکیم، داستان‌های بامزه و کتاب‌های تصویری بود. متأسفانه کتاب‌های علمی کمتر مورد توجه قرار گرفتند که البته شاید دلیلش فصل تابستان، دور شدن از درس و مدرسه و پررنگ‌تر بودن جنبه‌ی سرگرمی کتابخانه برای بچه‌ها بود.

به اعضا گفته شد کتاب‌ها را پس از یک هفته تحویل دهند. اما متأسفانه برخی تا ۲ یا ۳ هفته کتاب را پس نمی‌دادند (وقتی جریمه‌ای حتا به مبلغ ناچیز تعیین کردم دیگر خبری از آن عضو نمی‌شد). وقتی من این مکان را تخلیه کردم حدود ۱۰ تا از کتاب‌های کتابخانه کم بود که از این مساله بسیار متأسف شدم.

پسرها بسیار کم از این کتابخانه استفاده کردند و تعدادشان حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر بیشتر نبود. البته چون فصل تابستان و فصل کار و گردش و سفر بود، تعداد زیادی از نوجوانان به ویژه پسرها در اطراف روستا بودند. در این مدت بیشتر پسرهای نوجوان مشغول کار در ناوایی و کوره‌ها بودند و حضورشان در روستا کم رنگ بود. امیدوارم با انتقال کتابخانه به کلاس در مدرسه، حضور دانش آموزان بیش از پیش باشد و با شروع شدن درس و مدرسه و یادگیری علم و دانش استفاده از کتاب‌های علمی بیش از قبل شود.

خانم‌های جوان به تازگی درخواست کرده‌اند تا به عرض شما برسانم که آن‌ها از اواخر تابستان و فصل پاییز شروع به بافتنی کردن برای بچه‌ها، همسران و خودشان می‌کنند. اما به دلیل گران بودن کتاب‌های بافتنی کمتر به مدل‌های جدید دسترسی دارند و از من خواستند اگر امکان دارد یک یا دو عدد کتاب بافتنی از لباس‌های بچه‌گانه و بزرگسال (هم قلاب بافی و هم دومیل) در کتابخانه باشد تا همه بتوانند از آن استفاده کنند. بچه‌ها برای محرم و مناسبت‌های خاص کتاب‌های مذهبی می‌خواهند که بتوانند از آن‌ها شعر و مطلب در آورند.

پیش دبستانی قائم آل محمد، روستای شهرک قدس، قاین نسرين غلامی

استقبال از طرح زیاد بود. به ویژه کتاب‌هایی که در طول سال با بچه‌ها کار می‌کردیم برایشان خیلی جالب بود. وقتی بچه‌ها کتاب‌ها را برمی‌گرداندند از آن‌ها می‌خواستم که برایش خلاصه‌ای هم بنویسند و اگر سواد نوشتن نداشتند با توضیح یا نقاشی این کار را می‌کردند. بین این کارها مسابقه‌ای هم برگزار کردم و به برنده هدیه دادم. بچه‌ها کتاب‌ها را که می‌گرفتند دو سه روزی که دستشان بود و دوباره با دوستانشان می‌خواندند و همین‌طور دست به دست کتاب‌ها می‌گشت و رقابت بیشتر و بیشتر می‌شد. اما کتاب‌ها کم بود و دیگر کار به انتخاب نمی‌کشید هر چه مانده بود را می‌گرفتند و کار می‌کردند. بیشترین استفاده‌کننده‌ها بین سن ۳ تا ۶ سال بودند.

فرشته‌های کوچولو، روستای جعفرآباد، قاین فاطمه عجمی

کتاب‌ها دیرتر به دستمان رسید ولی به هر جهت کتابخانه را راه اندازی کردم. بعد از رسیدن کتاب‌ها اسباب‌کشی داشتیم که باعث شد باز هم کار دیرتر شروع شود. اما بچه‌ها کتاب‌ها را خیلی دوست داشتند و به جای شلوغ کردن هر صبح که در باز می‌شد به سمت کتاب مورد علاقه‌ی خودشان می‌رفتند و از ما می‌خواستند که آن را برایشان بخوانیم. حتا کودکی هر صبح کتاب خانم حنا را بر می‌داشت و می‌خواست که هر روز آن را برایش بخوانیم. والدین هم از کتاب‌ها استفاده می‌کردند. کتاب‌های هدیه‌ی سال پیش را که هر کدام دوسری بودند، امسال هم استفاده می‌کنم. کتاب‌های کاردستی مثل «کلاژ»، برای من بسیار قابل استفاده بود.

مهد کودک گل‌های آفتاب، روستای چاهداشی، نهبندان

مریم شبانی

کتاب‌ها بر اساس برجسب‌های رنگی (قرمز، آبی، سبز و زرد) طبقه‌بندی و در کتابخانه قرار داده شده است. خانواده‌ها از کتاب‌های پرسش و پاسخ استقبال زیادی داشتند. کتاب کوچک «نه گفتن آگاهانه» تاثیر زیادی در زندگی خودم داشته است. «قصه‌های چهارده معصوم» آموزنده و پرکاربرد بود و خانواده‌ها برای فرزندانشان به امانت گرفتند. از مجموعه کتاب‌های «علم در عمل» تعداد ۲۰ نفر از خانواده‌ها برای فرزندانشان امانت گرفتند. این مجموعه واقعا تمام علوم را به خوبی توضیح داده بود. کتاب‌هایی که افسانه و داستان بودند را بیشتر افرادی که در خانه تنها بودند و فرزند نداشتند، استفاده کردند. خانواده‌ها اصرار داشتند که کتاب‌های آشپزی هم در کتابخانه باشد. کتاب‌های «علوم ترسناک» خیلی آموزنده و جالب و جذاب برای بچه‌ها بوده است. این کتاب‌ها را مقطع تحصیلی راهنمایی به امانت بردند. کتاب «جبار باغچه بان» را تعدادی از والدین به امانت بردند. در مهد کودک گل‌های آفتاب بیشتر کتاب‌ها را والدین بخصوص مادران به امانت می‌برند.

مهد نگین، روستای خوانشرف، نهبندان

معصومه جنگی

بعد از آن که کتاب‌ها را گرفتیم به طبقه‌بندی و کارهای مربوط به آن‌ها پرداختیم و من چون در جلسات قرآن شرکت داشتم اولین بار کتاب‌ها را به جلسه‌ی قرآن بردم و گفتم ما این کتاب‌ها را داریم می‌توانید همه بیایید و از کتاب‌ها استفاده کنید. آن‌ها هم پیشنهاد دادند که کتاب‌ها همان جا بماند تا مردم بیایند و ببینند و استفاده کنند. اگر کسی کتابی برای بچه‌ها می‌خواست خودم برایشان می‌بردم و تحویل می‌دادم. کتاب‌ها را بیشتر رده سنی دبستان، تا کلاس ششم استفاده می‌کردند. یک کتابخانه‌ی کوچک هم در مدرسه باز کردم و یک کاغذ تبلیغ و معرفی هم کنار آن زدم. هم اکنون هم کتابخانه مراجعه کننده دارد. تعداد زیاد کتاب هم توسط خود بچه‌ها و بزرگسالان به کتابخانه اهدا شد. یکی از درخواست‌های اعضا این است که کتاب‌های ویژه و مناسبی برای کتابخانه تهیه شود.

مهد کودک و پیش دبستان مائده، روستای میغان، نهبندان

عصمت رضاپور

من چون در طرح صالحین هستم. کتاب‌ها را در پایگاه بسیج گذاشتم و طبقه بندی کردم. استقبال از طرح خوب بود و کودکان دبستانی که حدود ۸۰ نفر بودند رمان‌ها و داستان‌ها را خیلی دوست داشتند و همه را برای خواندن امانت می‌گرفتند. مادران به کتاب‌هایی با موضوعات تربیت فرزند علاقه‌مند بودند که تعدادشان کم بود. کتاب‌هایی مثل کلاژ هم خیلی خوب بود. کتاب‌های علوم را هم بیشتر نوجوانان استفاده می‌کنند. مهد ما تابستان تعطیل بود.

پیش دبستان، روستای مهدی‌آباد، نهبندان.

رحیمه حیدری تنها

ده روز بعد از تحویل کتاب‌ها در محل مهد در قفسه‌ای گذاشتم. کتاب‌ها را دسته بندی و شماره گذاری کرده و شروع به اطلاع رسانی در مورد کتابخانه کردم. اولین گروه سنی ما همان پیش دبستانی‌ها و مهد کودک‌ها و مادرانشان بود. اولین کتابی که خواندند و استقبال شد «من و کودک من» بود که همه آن را دوست داشتند و تقریباً همه آن را برای خواندن می‌بردند. پسرها بیشتر کتاب‌های علمی مثل شیمی و ریاضی و علوم را دوست داشتند و دخترها بیشتر رمان و داستان را دوست داشتند. یک گروه جهادی از تهران آمده بودند و در مهد ما کلاس گذاشتند. آن‌ها از کتاب‌ها خیلی خوششان آمد و در طول یک هفته‌ای که این جا بودند آن‌ها را مرتب برای بچه‌ها می‌خواندند و به شکل نمایش اجرا می‌کردند. آن‌ها هم روزی که می‌رفتند ۲۰ تا ۳۰ کتاب به کتابخانه‌ی ما هدیه کردند.

من با مدیر مدرسه صحبت کردم و قرار شد در ۱۰ روز بهمن نمایشگاه کتاب در یکی از اتاق‌های مدرسه برپا کنیم که همه با کتاب‌ها آشنا شوند.

در کل کتاب‌های کار با معلم برای ما که مربی بودیم خیلی جالب بود. به ویژه قسمت‌های کاردستی‌ها در کتاب‌های جلد آبی. کتاب‌های کار و فعالیت را هم خیلی دوست داریم.

مهد کودک نازنین، روستای خونیک سفلی، نهبندان

مریم تقوی

با خواهرم کتاب‌ها را مرتب کردیم. مراجعه کنندگان می‌آمدند و کتاب امانت می‌گرفتند.

- کتاب‌های کار با مربی بازده بسیار بالایی دارد.

- تعداد کتاب برای والدین خیلی محدود است.

- بودن کتاب‌های مناسبی برای کودکان لازم است.

- یک نکته جالب این است که یک مادر آمد و گفت از وقتی دخترم کتاب می‌آورد خانه برادرش به کتاب خوانی مشغول شده و خیلی کمتر روی پشت بام می‌رود و گفتربازی می‌کند. در حالی که قبلاً همه همسایه‌ها از این کار پسر شکایت داشتند.